

زدن ایده افی

از این علاوه بر وظایت تأمین اخلاق بعده
از این علاوه بر وظایت تأمین اخلاق بعده

نایب در المدوك باشد از



بِنَاسِت سال اعلامیه جمایی حقوق شیر

زن ایرانی

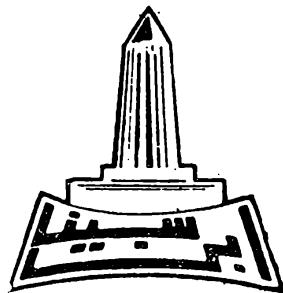
از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید

مالک بدرالملوک باهداد

تهران

۱۳۴۷

چاپ اول این کتاب تحت شماره ۹۰۵
کتابخانه ملی به ثبت رسیده است
۳۰ رزرو ۴۷



انتشارات ابن سینا

۲۰۰ نسخه از این کتاب بسرمايه کتابخانه ابن سینا در چاپخانه
بانک بازرگانی چاپ شد

بنام یزدان

ما پیروز و سر افزاییم

علی‌رغم حوادثی که در سایر نقاط جهان می‌گذرد، خوشبختانه افق روشن‌کشید ایران چنین نوید میدهد که با یک رهبری مبدانه و بکار بردن اراده قوی، بشریت میتواند از قید و بندها و عدم تعادل‌های ظالمنه نجات پیدا کند و به هدف عالی خود که اجرای اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر است نائل گردد.

برای تجلیل از سال بین‌المللی اعلامیه جهانی حقوق بشر و اینکه اولین کنفرانس آن با نطق شاهنشاه آریامهر در تهران گشایش می‌باشد، سازمان زنان طرفدار اعلامیه حقوق بشر بر آن شد تا از پیروزیهای درخشانی که بموجب انقلاب مقدس شاه و مردم نصیب زنان ایران شده، اقدامات وسیع و متهورانه‌ای که برای رفع هر گونه تبعیض از آنها بعمل آمده نموداری تهییه کند.

اعلامیه جهانی که در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۲۷ برای با ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ انتشار یافت، تساوی کامل حقوق زن و مرد در تمام شئون اجتماعی از پر ارج‌ترین مواد آنست. نمایندگان ملتهاي عضو سازمان ملل متحد مقاد اعلامیه را تصویب کردند ولی برای هیچ کشوری تعهدی ایجاب نکرد. زیرا بموقع اجرای گذاشتن آن در هر کشور مشکلاتی

داشت که با یستی بتدربیج بر آن فائق آیند و با احتیاط پیش بروند .
زهی سعادت ما که توصیه اعلامیه در ایران مقارن باعصر فرخنده
سلطنت شاهنشاه دادگر و خردمند محمد رضا شاه پهلوی است که بنحو
احسن از آن استقبال شده است . این وارث با استحقاق کورش بزرگ
که در ۲۵ قرن پیرو افکار عالی انسان دوستی و عدالت پروردی
بود با اقدامات متهورانه خود مفاد اعلامیه را در تمام شئون اجتماعی
بهموقع اجرا گذاشت . بیش از تمام فرمان نفرمایان کشورهای جهان در
اجرای مواد آن چه در ایران و چه در سایر ممالک جدیت فرمود . با
حسن تدبیر ملت ایران را بسوی انقلاب عظیمی سوق داد بدون اینکه
هیچگونه خللی در آسایش و آرامش عمومی ایجاد گردد .

بهمین جهت شخصیت جهانی شاهنشاه در تمام دنیا مورد ستایش
قرار گرفت زیرا بیش از سایر رهبران ملتها برای ریشه کن کردن
بی سوادی ، از بین بردن تبعیضات نژادی و بنیان نهادن صلح و آرامش
 دائمی حسن تدبیر و کوشش مبذول میفرمایند و سرافرازی ایران و
ایرانیان را فراهم میدارند .

۶ تساوی حقوق بشر آن دیشه دیرین آدمی است

نا آنجا که دیده موشکاف تاریخ نویسان مشاهده کرده است از
زمانهای دور پیوسته اشخاص یا دسته های متجاوز و قدرت طلب وجود
داشته با تمام قوا کوشیده اند از ناتوانی و بی خبری سایرین سوءاستفاده
کنند . به برهانهای گوناگون مانند اختلاف جنس ، رنگ ، نژاد و
مذهب جان و مال و آزادی سایرین را مورد تاخت و تاز و تجاوز قرار

بدهند. در همان حال فلاسفه و پیامبران که نیک اندیشان عالم بشریت میباشند در ترویج و قبول آئین و مقرراتی که ضامن تساوی حقوق افراد انسانی باشد از هر گونه فدایکاری کوتاهی نداشتند. زیرا به این حقیقت پی برده بودند که تنها برقراری حق و عدالت میتوانند آسایش انسانها را فراهم کرده از بروز جنگها و زد و خوردها که نتیجه‌ای جز خرابی و قتل و غارت و برانداختن آثار تمدن ندارد جلو گیری کند. از آنجائی که اکثریت مردم قدرت دفاع از حقوق خود را نداشتند اقلیت زورمند دست از تعددی نکشیده به انواع حیل نمیگذاشتند، آنها هشیار شده پرده جهل را از پیش چشمان کنار ببرند.

بفرموده زرتشت پیامبر بزرگ ایران «سر انجام نیروی یزدانی بر قوای اهریمنی پیروز میگردد» بتدریج اکثریت ستمدیده بفکر چاره اندیشی و احراق حق خویش برآمد. نخستین بار انقلاب خوین فرانسه عکس العملی از این حق‌کشی و حق‌طلبی نشان داد در نتیجه اعلامیه‌ای بنام حقوق بشر منتشر گردید. اما این اعلامیه ضمانت اجرائی نداشت بعلاوه محدود و متعلق بمنتهی فرانسه بود. همینکه احساسات شورانگیز انقلاب فرونشست مقاد اعلامیه فراموش و بی‌اثر گردید زنان فرانسوی همچنان با دستمزد ناچیز حتی در اعماق معدنها بزمات طاقت فرسا مجبور بودند. کودکان بکار گماشته میشدند. ظلم و تعددی رواج کامل داشت.

دومین نهضت که برای پیش گیری از تجاوزات غیر انسانی انجام پذیرفت تشکیل جامعه صلح لاهه در قرن نوزدهم میلادی است که آنهم کاری از پیش نبرد بنیان گذاران جامعه صلح با همان انگیزه‌های ضد

انسانی جنگ خانمان سوز اول جهانی را برپا ساختند. آن جنگ چنان وحشتی در دلها ایجاد کرد که جامعه ملل را تشکیل دادند. باز هم طولی نکشید که با بروز جنگ جهانی دوم اساس آنهم درهم شکست. جنگ دوم بزرگترین فاجعه تاریخ سراسر جهان بود. احساسات بشر دوستان و صلح جویان را بیش از پیش بر ضد این بیداد گریها برانگیخت. ندای آزادی خواهی رساتر، از میان توده‌های خاکستر و ویرانهای بلازده برخاست. زنها این بار تمام مصیبت‌های جنگ را بطور تساوی با مردان تحمل کردند و دوش آنها برای دفاع از کشور خویش با خدمات طاقت‌فرسا لیاقت خود را نشان دادند.

چه جای تعجب است اگر بمختص اینکه گفتگوی صلح به میان آمد برای درخواست رفع هر گونه تبعیض شور و جنبشی عظیم برپا کردد؟! با ارزشترین نتیجه این نهضت انسانی تشکیل سازمان ملل متحد و مؤثرترین اقدام سازمان ملل متحد بمنظور ایجاد صلح با دوام صدور اعلامیه حقوق بشر است که اندیشه دیرین بشر دوستان را جامعه عمل پوشانید. جمیعت زنان ایران که در سال ۱۳۲۱ تأسیس شده بود در تاریخ ۱۳۳۵ نام سازمان زنان طرفدار اعلامیه حقوق بشر را برگزید هرام خود را کوشش در اجرای مواد اعلامیه که مربوط به حقوق زن است و فعالیتهای جمیعت را در این زمینه قرار داد. در این مدت با استفاده از هر موقعیت و سیله سخنرانیها، انتشار مقالات و شعارها، تعلیم و تربیت بزرگسالان میکوشد تا زنان را بحقوق خود آشنا ساخته افکار نسل جوان را برای رعایت تساوی کامل و دوری جستن از تبعیضات مهیا سازد.

در این موقع هم که زنان ایرانی مقام حقیقی خود را احراز کرده‌اند با ابراز لیاقت در تمام شئون مملکتی و انجام وظایف خطیر مادری ارزش خود را نشان میدهند و پشتواهه نسل برومند و جوان را محکم میکنند لازم دانست برای مقایسه اوضاع گذشته و حال تاریخ را ورق بزنند تا انقلاب مشروطیت پیش برود . تا زنهای امروز که در سایه امنیت کامل شاهراه روشی را پیش گرفته بسوی هدف عالی اجتماعی میروند بتوانند تصویر زمان گذشته، مرارتها و صدمات زنان انگشت‌شماری را بگنند که در آغاز روزهای بیداری ناچار از تحمل آنها بودند . و به منظور تعظیم به تلاش پی گیر شیر زنان آزاده نیم قرن پیش آنها که کوره راه تاریک و پر رنج و مرارتی را افتان و خیزان با قدمهای ضعیف و لرزان پیموده برای وصول به مختصر موافقیت شمع و جید خود را میسوزانند، آنها که هر قدمی در جاده رسیدن بحق خویش بجلو میگذاشتند عوامل قوی و متشکل ارتجاع دست رد بسینه آنها میگذاشتند، آنها که جان و مال و حیثیتشان در گرو این مبارزات بود ولی از میدان در نرفته مقاومت میکردند، آنها که بگرفتن کوچکترین سنگر دلخوش شده غنیمت میشمردند . نام چند تن از برگزیدگان نشان را ببرد . باشد که زنان جوان امروز که دست توانای رهبر مدبر ما زنجیر اسارت از پای آنها گستته و خط بطلان به خرافات و اوهام کهن کشیده اوضاع بر وفق مرادشان است ؟ بیشتر قدر این رستاخیز یا انقلاب عظیم را بدانند و بر اینهمه ترقیات شگرف مباهات کنند . بشکرانه این فراغت و نعمت‌های رایگان از هر گونه تلاش فرو گذار نکنند ، تا اینکه تمام زنان کشور را از حقوق و وظایفی که دارند آگاه سازند، محیط پریشان خانواده‌های

عقب‌مانده را اصلاح کنند، از صورت مبتدل گذشته نجات بدھند. زنان با فراست امروز هشیار باشند تا اجتماع خود را از کجر ویها و تقليیدهای نابجا محفوظ بدارند و در صدد بر آیند تا نسلی نوجوان ساختن ايران نوتو پرورش بدھند.

تحول عظیم سرنوشت زن ایرانی زمان سلطنت
شاهنشاه آریامهر محمد رضا شاه پهلوی با خلط زرین
نوشته خواهد شد

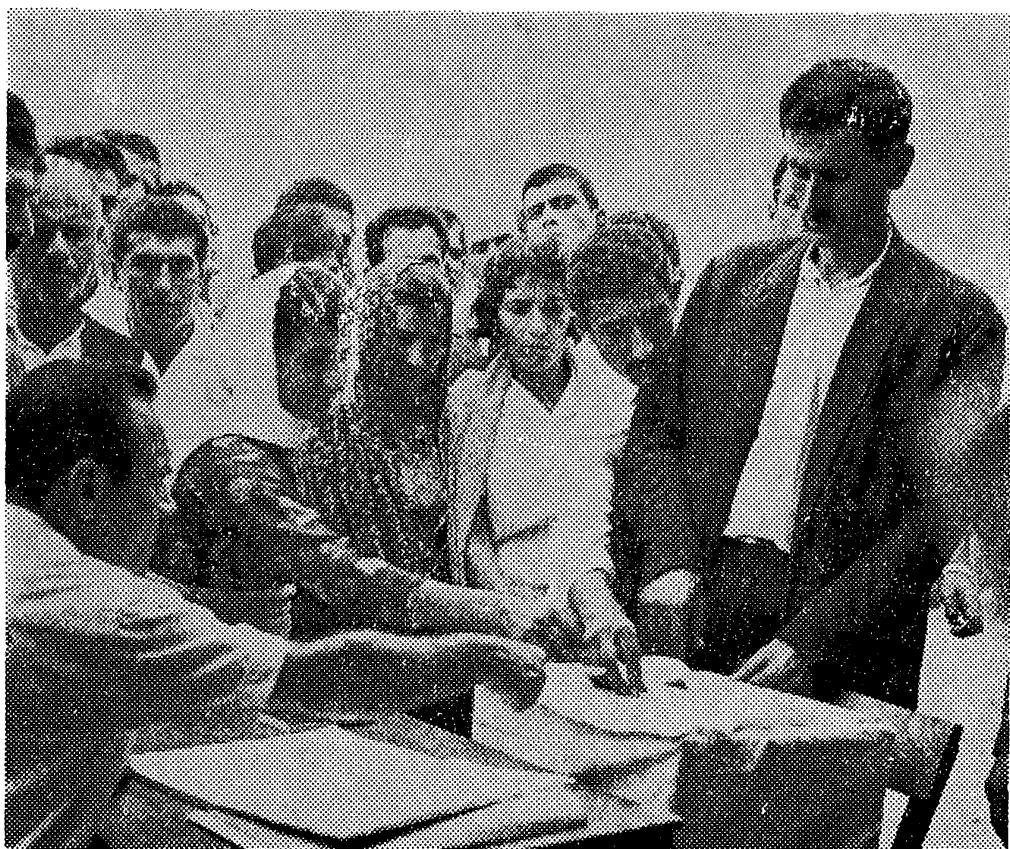
طی کوشش‌های بیست ساله اعلمی حضرت رضا شاه کبیر عده قابل توجهی زنان به دانشگاه‌ها راه یافتندو فارغ التحصیل شدند که جملگی هواخواه آزادی و کسب حیثیت و حقوق بشری برای زنها بودند. بسیاری از مردانهم بکشوزهای خارجی سفر کرده یا در طول این مدت به رابطه مستقیمی که لیاقت زن با خوشنختی ملت دارد پی بردنند. بویژه تأثیر کار کردن آنها را در بهبود وضع اقتصادی خانواده‌ها دیدند و طرفدار رشد زنها و شرکت آنها در خدمات اجتماعی شدند. در مقابل این عوامل موافق قدرت‌های مخالف و محربی که سالها از ضعف و نادانی توده مردم بنفع خود بهره برداری می‌کردندو در باطن پاسداران او ضاع کهنه بودند گرچه چندی دست از تحریکات کشیده بودند ولی بهیچ وجه از عقیده خود منصرف نشده منتظر فرصت بودند. همینکه بواسطه آثار شوم بعد از جنگ و گرفتاریهای سیاسی آب را گل آلود دیدند با تمام قوا از موقعیت استفاده می‌کردند؛ بر ضد هر گونه پیشرفت و نهضت جدی زن می‌کوشیدند این مبارزه حق و باطل بشدت یا ضعف ادامه

داشت و فعالیتهای زنها را را کد می‌گذاشت.

تا اینکه شاهنشاه با عزم و تدبیرما، بحل مشکلات خارجی کشور توفیق یافتند، اصلاحات عمیق داخلی را مورد توجه قرار دادند.

ا پس از ترسیم نقشه انقلاب شاه و ملت با عزم جزم باجرای آن تصمیمات پرداختند. ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ روز رفراندم اعلام شد. شاهنشاه آریامهر تصویب مواد شش گانه انقلاب سفید را به آراء عمومی گذاشتند. البته طبق سنت دیرین تنها مردان وارث حقوق بشری بشمار میآمدند و حق دادن رأی به لوایح قانونی داشتند. جمعیتهای زنان که ناراحت و عصباً نی بودند تشکیل جلسه داده با حرارت گفتگو کردند و تصمیم گرفتند از نیات عالی و اصلاح طلبانه رهبر خویش استقبال کنند. این موضوع با اینکه در فرصتی کوتاه اعلام شد بطور غیرمنتظره به تظاهرات حق شناسانه توده‌های زنان کشور در تمام نقاط حتی بهدوستاهای دورافتاده کشیده شد. بطوریکه ناچار شدن همه‌جا صندوق جدا گانه برای زنها بگذارند. شور و هیجانی که نسبت به شاهنشاه ابراز میداشتند حقیقتاً بی نلیر بود. زن‌های خانه‌نشین با چشمان اشگبار رأی موافق در صندوقها میریختند. گرچه زنها آراء خود را در صندوق جدا ریختند اما نه تنها رأی دادن آنها منع نشد بلکه شماره و اعلام هم گردید. این جنبش و هیجان بطور حتم در سرعت اجرای طرح اعطای حقوق سیاسی به زنان مؤثر بود. چنانکه بزودی در اسفند ۱۳۴۱ طبق منشور انقلاب شاه و مردم که تحولی شایسته در تمام شئون کشور ایجاد کرد وضع اسف آور زنها هم مورد عنایت خاص رهبر ما قرار گرفت و تمام عقب ماند گیهای زن ایرانی یکباره جبران شد.

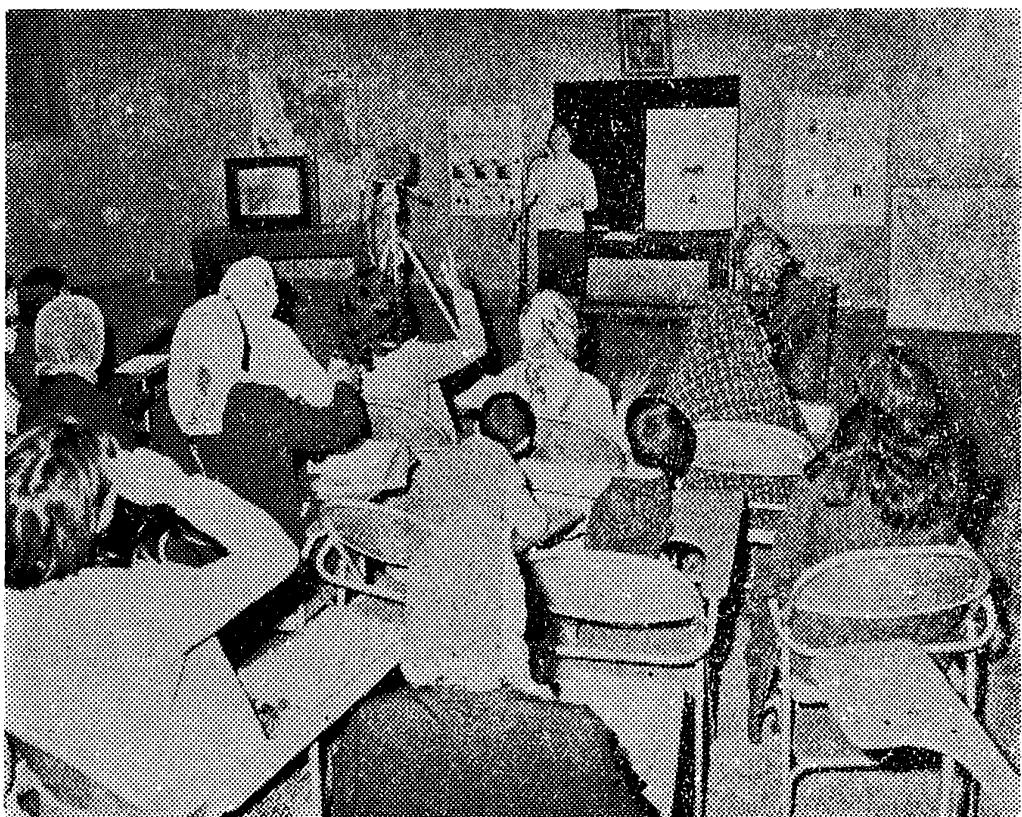
۴ در کنفرانس اقتصادی هشتم اسفند ۱۳۴۱ شاهنشاه آریامهر ضمن
 نطق افتتاحیه بطور غیرمنتظره مژده بزرگی بملت ایران دادند و فرمودند
 «این آخرین نشست اجتماعی ایران را انشاء الله در انتخابات آینده
 ما بر طرف خواهیم کرد و قاطبه اهالی این مملکت درسن نوشت خودشان
 و انتخابات ایران شرکت خواهند کرد.» با این صورت بود که زنان عاری
 از حقوق انسانی با عزم خلمل ناپذیر نجات دهنده خود بشرافت انسانی
 نائز گردیدند.^{۴۰}



رأى دادن زنها به مواد شش گانه انقلاب سفید

به امر والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی برای زنها دایر شد

پس از اعلام تساوی حقوق زنان و برگزاری جشنها و شادیها نظرها به یک مشکل یا مانع بزرگ که در جاده پیشرفت زن وجود بود جلب شد. اکثر زنها که با افکار و عقاید پیشین بارآمده مطابق گفته معروف برای این تربیت شده بودند که «با چادر بخانه شوهر بروند و با کفن بیرون بیایند» تا توانسته‌اند حس حقارت و اطاعت را در آنها پژوهش داده‌اند باید بحقوقی که به آنها تفویض شده و تکالیفی که از



یکی از کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی

این پس بعده آنهاست واقف گردند. و برای بهره‌مندشدن از آزادی و شناسائی حدود آن آمادگی پیدا کنند. از آنجاییکه زنها بیش از

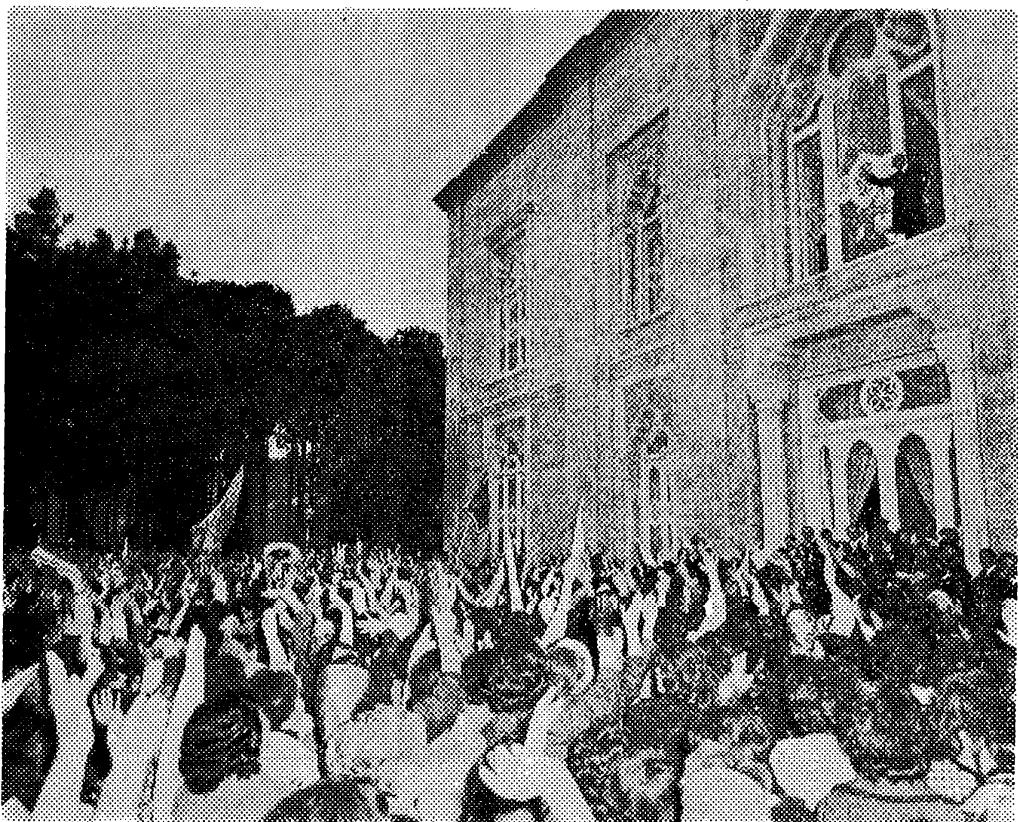
مردها اسیر بی‌سوادی و بی‌خبری بودند والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی که ریاست‌عالیه جمیعتهای زنان ایران را داشتند و آنها را رهبری و تقویت می‌فرمودند امر و مقرر داشتند که جمیعتهای زنان بدون فوت وقت کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی را دایر کنند و با سرعت در هر گوش و کنار شمع دانش برآفروزنده زنان را به مسئولیتهای زیادی که دارند آگاه و روشن سازند . این دستور صریح مورد استقبال قرار گرفت و جمیعتها همگی آمادگی خود را برای این خدمت مقدس اعلام و دست بکار شدند .

آخرین ننگ اجتماعی ما بر طرف شد

۷ روز یازدهم اسفندماه ۱۳۴۹ وزیر کشور گزارشی تقدیم هیئت وزیران کرد که اشاره به قانون اساسی مصوب ۲۱ شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری شده بود . در آن صریح‌آ نوشته و مقرر گشته است « هر یک از افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عمومی محق و سهیم میباشند و بموجب اصل دوم قانون اساسی مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند » و اضافه کرد : « بنا بر این محروم‌ماندن نسوان از شرکت در انتخابات مجازی ندارد . لذا هیئت وزیران بنده اول از ماده دهم و بنده دوم از ماده سیزدهم قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب شوال ۱۳۲۹ هجری قمری که من بوظ به شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان است و همچنین قید کلمه ذکور از ماده ششم و ماده نهم قانون انتخابات مجلس سنا مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۸ را حذف کرد . وزارت کشور را مکلف داشت پس از افتتاح مجلسین مجاز قانونی این تصویب‌نامه را تحریصیل نماید . »

قسمتی از نطق تاریخی شاهنشاه آریامهر بعد از صدور فرمان آزادی زنان

شاهنشاه چنین فرمودند: «خدا را شکر که اکنون آخرین ننگ اجتماعی ما نیز بر طرف شده و این زنجیر تحقیر و اسارت که بر گردن نصف جماعت این مملکت بود بوداشته و پاره شده است. در مملکتی که نسوان آن دوش مردان بدستان و دبیرستان و دانشگاه میروند چطور میتوان انتظار داشت که به یک زنی بعد از طی تمام این مرحل گفته شود که در دیف محجورین و دیوانگان است».



ابراز شادی و حقشناصی زنها در مقابل کاخ مرمر

از آن روزهای خجسته، ببعد وقایع مهم تاریخی در زندگی زن ایرانی روی داد که شرح تمام آنها در این مختصر رساله نمی‌گنجد. فقط به قسمتهای مهم اشاره میشود.

۷ کنفرانس بین‌المللی زنان – ۳۱ فروردین ۱۳۴۲ کنفرانس بین‌المللی زنان در تهران تشکیل شد والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی جلسات آنرا افتتاح فرمودند مسائل مبتلا به زنان دنیا مورد بررسی قرار گرفت.

کنگره جهانی زنان در واشنگتن و مسکو

در خرداد ۱۳۴۲ شورای بین‌المللی زنان در واشنگتن بپاس احترام و قدردانی از اقدام مهم شاهنشاه ایران مبنی بر اعطای حقوق مساوی زن و مرد نخستین وقت سخنرانی را به والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی اختصاص دادند در سوم تیر ۱۳۴۲ در مسکو کنگره جهانی زنان افتتاح یافت و برای موفقیت زنهای ایران ارزش زیاد قابل شدند.

تظاهرات بزرگ زنان

روز ۲۲ مرداد ماه ۱۳۴۲ زنهای تهران به تظاهرات پرداختند.



تظاهرات زنان در خیابانهای تهران

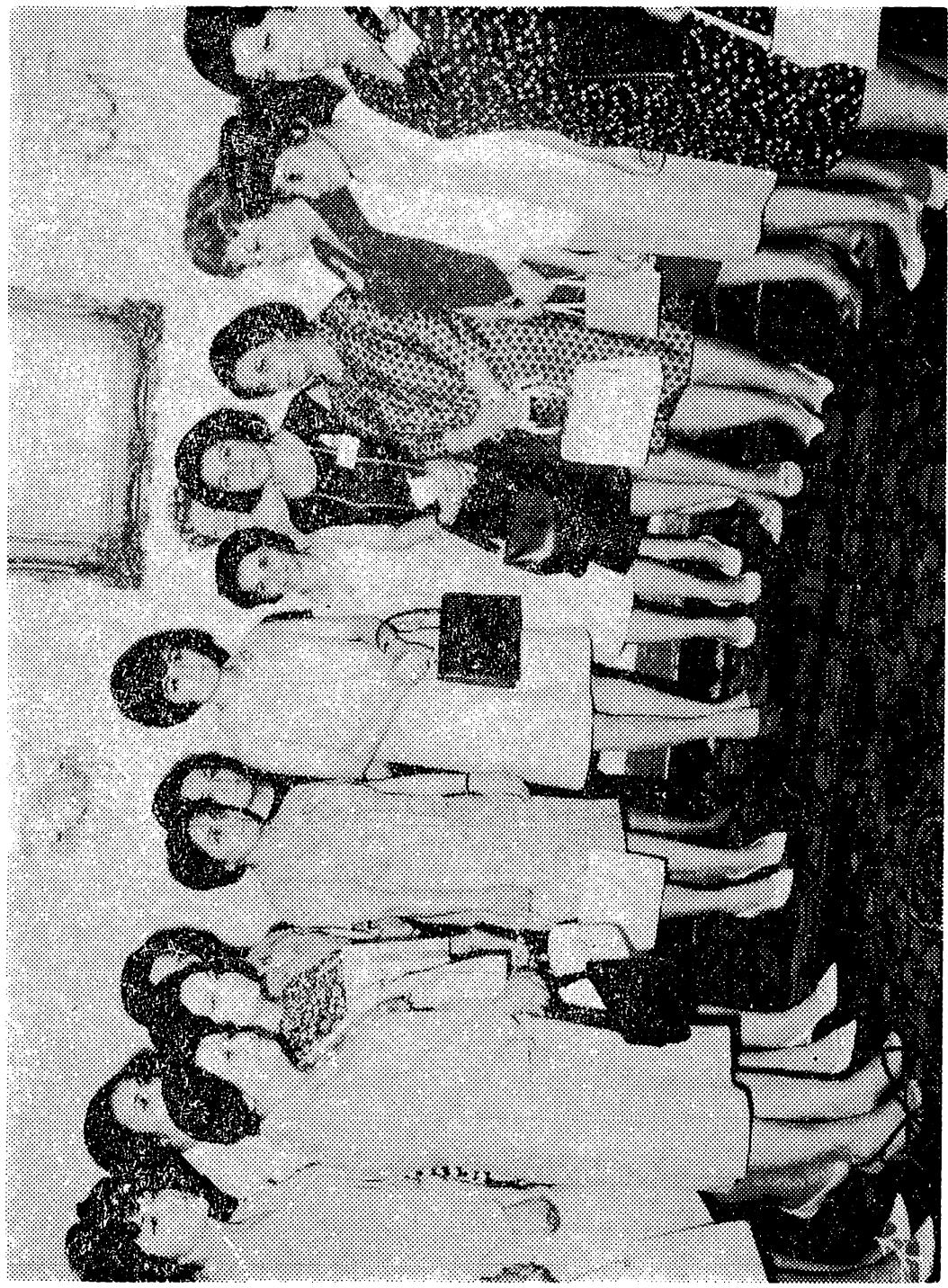
هتینگی در میدان بهارستان تشکیل دادند و قطعنامه‌ای دایر برآمد که
جهت همکاری در انتخابات و تحقیق بخشیدن به منشور ششم بهمن به
تصویب رسانیدند.

۱- زنان بمجلسین راه یافته‌ند - روز ۲۶ شهریور ۱۳۴۲ انتخابات
مجلسین انجام گرفت. شش زن به مجلس شورا و دوزن به مجلس سنا
وارد شدند.

سد عظیمی که سالیان دراز مانع شرکت زنان در امر قانون
گذاری بود ناچار سر نوشت زن بدون کمترین دخالت او معین میگردید
بانیروی اراده خلل ناپذیر رهبر ایرانیان در هم شکست و دمکراسی
ایران معنی واقعی پیدا کرد.

۲- کمیسیون مقامزن - هجدهمین اجلاسیه کمیسیون مقامزن دهم
اسفند ۱۳۴۳ در حضور علیا حضرت شهبانو فرح در هتل هیلتون گشايش
یافت برای اولین بار بود که این کمیسیون در یکی از کشورهای آسیائی
تشکیل جلسه‌داد ایران را به این مناسبت انتخاب کردند که تجلیلی از
اقدام مهم شاهنشاه در راه تساوی حقوق زن بشدود. بهمن مناسبت والا
حضرت شاهدخت اشرف پهلوی بریاست اجلاسیه کمیسیون انتخاب شدند.
۳- کنگره شورای بین‌المللی زنان - این کنگره در ۲۴ اردیبهشت
۱۳۴۵ در تهران کاخ وزارت خارجه در حضور علیا حضرت شهبانو فرح
گشايش یافت. علیا حضرت ضمن نطق افتتاحیه فرمودند:

«شهرما با این ترتیب نمونه‌ای میشود از استمرا و ادامه آن
مبازه عظیمی که زنان در سراسر جهان پیوسته بدان مشغولند تا
مقصد اعلایشان یعنی برابری که اعلامیه حقوق بشر آنرا رسماً
اعلام نموده است صورت تحقیق پذیرد.



علیا حضرت فرج پهلوی و اعضای ایرانی در کنگره بین المللی زنان
از راست بچپ با نوان مهربی صفی زیبا . نفر سوم نیز سعیدی . دکتر فرج رو دارسا . دکتر مهری آه . انتهای

قانون حمایت خانواده

ازدواج در ادوار تاریخی بشر یک نوع قرار داد مقدس و محترم شمرده شده است در تمام ادیان قوانین خاصی برای زناشوئی وضع کرده اند هر قوم و ملت تشریفات پر شکوه و جلالی بجا می آورند که دلیل بر اهمیت آن میباشد.

رشته موافصلت زن و مرد در بسیاری از مذاهب ناسیونالیستی است بیشتر از آنچه اینکار مذموم است که با شکستن پیمان زناشوئی آشیانه گرم و راحت کودکان خراب میشود. از نعمت سر پرستی و مراقبت لازم والدین بی بهره میمانند. اختلافات وزدو خورد پدر و مادر دراعصاب نرم کودکان اثر گذاشته رشد طبیعی آنها را مختل میکند. این اثرات نامطلوب بزیان جامعه که متشکل از همین افراد است تمام میشود. در کشور ما گوشہ گیری و اسارت زن این امر خطیر را دستخوش بوالهوسی مردان نموده بود. زنها در خانه‌شوهر نه مزد داشتند نه امنیت نه مرخصی نه بازنشستگی به اصطلاح خدمتکار بی‌جیوه مواجب بودند با این تفاوت که شوهر هر وقت اراده میکرد بی تأمل اورا مطلقه ساخته از خانه میراند بدون اینکه بمادر حق بدهد از کودکان دلبندش مراقبت کند و از حال آنها با خبر گردد. در صورتیکه مذهب مقدس اسلام هرگز اجازه این گونه رفتار ظالمانه و خودسرانه را بمرد نداده است. زنها را از تمام حقوق و آزادیهای انسانی بهره‌مند ساخته به آنها شخصیت اقتصادی مستقل بخشیده است. برای تعدد زوجات شرایط سخت قرارداده هزینه فرزندان را بر عهده پدر گذاشته خوش رفتاری و اجرایی عدالت را در باره زن توصیه کرده است. شکی نیست که این تجاوزات مرد بحقوق

خانوادگی حس عدم اعتمادرا در زنها برانگیخته بود طوریکه دائم در تزلزل میزیستند. خانه و فرزند و دارائی خانواده را از خود نمیدانستند. مانند ساکنین موقعیت یک منزل بی قید و بی علاقه بسر میبردند.

۲- قانون حمایت خانواده که مدتها آمال جمعیتهای زنان و خواست آنان بود با مر و فرمان شاهنشاه آریا مهر بصورت لایحه از وزارت دادگستری تقدیم مجلس شورای ملی شد و تصویب رسید^۱. منافع آن نه فقط در خوشبختی زنها و کودکان حتی در آسایش و سعادت مردان نمایان است. چه بسا پسران که بواسطه اوضاع ناپایدار خانواده‌ها و درهم شکستن آنها پریشان احوال واژه منزل فراری شده دشمنی و کینه توژی با پدر و مادر و بطور کلی با نوع بشر را پیشه‌خود ساخته‌اند. چه بسامردها که بواسطه یک لحظه بوالهوسی و وسوسه بنای خانواده‌ها فرو ریخته به نتایج وخیم و پیش‌مانی ابدی گرفتار شده‌اند. یا بواسطه بی‌بند و باری زن متعدد گرفته بعدها در هزینه زندگی درمانده یاد رآتش اختلافات زنها و فرزندان ناساز گار سوخته‌اند. با اجرای لایحه قانون حمایت خانواده که سراسر طبق موافقین شرع مطهر اسلام است؛ پس از این مرد بدون مجوز واژ روی هوی و هوس زن خود را طلاق نمیدهد. اجرای صیغه طلاق پس از رسیدگی دادگاه و صدور گواهی عدم امکان سازش صورت خواهد گرفت.

بموجب این لایحه مردی که زن دارد نمیتواند بی‌جهت زن دیگری اختیار کند. ومکلف است ثابت کند با چه عنصر موجهی اقدام بگرفتن زن دوم میکند. آیا استطاعت مالی برای تأمین مخارج دو خانواده دارد؟!

در هر حال با گرفتن زن دوم زن اول میتواند تقاضای طلاق کند. دادگاه در امر حضانت کودکانهم دخالت میکند. نزد هر یک ازوالدین

یا محل دیگر که اطفال از آسایش بیشتر و تربیت بهتر برخوردار هستند آنها را می‌سپارد. هزینه نگاهداری اطفال از عایدی پدر یا مادر یا هردو تأمین می‌شود. تا وضع فرزندان روشن نشود طلاق انجام نمی‌گیرد. قانون حمایت خانواده برخلاف سابق راجع به تقاضای طلاق از طرف زن ترتیبات تازه‌ای مقرر داشته است که بجای خود سودمند است. بی شبهه این قانون در تأمین آنیه زن و حقوق خانوادگی اهمیت کلی دارد؛ مشروط براینکه تعلیم و تربیت با هدف و نقشهٔ صحیح زمینهٔ فکری و قضاؤت وجودانی جوانان را در بارهٔ قبول اصل تساوی حقوق بشر فراهم کند. بمضراتی که از تجاوز و تعدی بر بخشید آگاه‌سازد. اجرای عدالت را ملکه آنها گرداند. به موازات آن دختران را به وظیفهٔ شناسی و ادائی تکالیفی که بیش از پیش در جامعه متقدمی بر عهده دارند آشنا کند والوضع قوانین بخودی خود مغزه‌هارا عوض نمی‌کند. وقتی نتیجهٔ می‌بخشد که بموازات تربیت زعانت هر قوم جلو برود.



در نیروی هوایی زنها پاکمال اشتیاق بخدمت مشغولند

سپاه دانش دختران

پیشنهاد گذشتند تاریخ و روشن

قدم به پیش

گرچه بموجب اصل ششم منشور انقلاب سفید جوانان دیپلمه مدتی بود که بهجای دو سال خدمت وظیفه بنام سپاه دانش برای پیکار با بی‌سوادی بروستاها میرفتند و نیروی خود را صرف دیشه کن نمودن جهل و نادانی میکردند. ولی از روز هشتم اسفند ۱۳۴۱ تاریخ زندگی زن ایرانی ورق خورد، همان کسیکه تا روز هفتم اسفند در خانه شوهر خدمتکاری بود که نهمزد داشت نه ملت، نه بینمه اوقات بیماری نه تأمین روزگار پیری نه حق استفاده از مرخصی نه حقوق بازنشستگی. یکباره مقامی مساوی با مرد و در خود شأن انسانی پیدا کرد. لازم بود اصل تساوی در مسئولیت را هم قبول و احساس کند و به مراتب استفاده از آزادیها شایستگی خود را در انجام وظایف ملی با ثبات بر ساند؛ از جمله تکالیف مهم صفوف تربیت شده یک ملت آنست که به کمک و یاری طبقه عقب مانده و نیازمند بشتابد تا سطح فکری و توانائی اجتماع را توسعه بدهد. سپاه دانش زنان علاوه بر آنکه همدوش مردان این خدمت بر جسته را انجام میدهد فایده‌های دیگری هم دارد که یکی از آنها آشنا شدن و تماس دختران درس خوانده است با زنانی که در گوش دهات یا شهرها زندگی میکنند و فرست اشغال بتحصیل را نیافته راه و رسم بهداشت خانواده را نمیدانند.

باین وسیله بمشکلات هم میهنان پیمیرند به نیکوکاری و خدمات

اجتماعی علاقمند شده عادت میکنند.

دیگر از ثمرات سپاهدانش زنان این است که فاصله بین طبقات مردم یک شهر یا کشاورزان و شهرنشیمان را که نتیجه ناموزونی تحولات سریع است بر میدارد.

پدیدهای نوین در سراسر کشور یکسان رسونخ میکنند. انس و الفت میان تمام ساکنین سرزمین پیدا میشود. دیگر زن و مرد روستا و شهرنشین یا محلات پائین به اشخاص بالانشین حسادت نمیورزند و کینه آنها را بهدل نمیگیرند. زنان هرفه نیز به کسانیکه عقب مانده‌اند کبر و نخوت نمیفروشنند.



دختران سپاهی

سپاهدانش زنان باعث ایجاد حسن تفاهم میان دختران و پسران جوان میشود. چون هردو بخدمات سپاهی گری و اجتماعی اشتغال

میورزند نظم و دیسیپلین یاد میگیرند . طرز فکر و روش زندگی آنها شباهت پیدا میکند در تنظیم خانه و تربیت اطفال این همفکری و عادات یکنواخت بکار آنها میخورد . پس با وجود اینکه منظور اصلی از تشکیل سپاهدانش زنان گسترش آداب و رسوم بهداشتی و خانهداری و بچهداری و سعاد در خانوادهای دور افتاده شهر یا روستا میباشد . متن ضمن فواید مهم دیگری هم هست که نتایج آن مستقیماً متوجه خود زنان میگردد . زنان امر و زحلقه‌های ارتباطی هستند که نسل گذشته و آینده را بهم میپیوندند . بر آنها واجب است نیازمندیهای نسل جوان و برومند را در هر گوش و کنار کشود شناخته و برآورده سازند .

پیروزی عظیم زن ایرانی

تزویض مقام نیابت سلطنت به علیا حضرت شهبانو فرح پهلوی و تاجگذاری معظم لهای بندست رهبر دلیر ما توفیق بزرگ دیگری بود که در جهت اعتدالی مقام زن و مادر نصیب ایرانیان گردید .
مردان و زنان کشور عامل مهمی را که موجب این توفیق گردید



خصوصیات عالی اخلاقی، درایت ذاتی، نوع دوستی و خیرخواهی علیا حضرت میدانند که در خانه همسری شایسته و مهر بان و مادری دقیق و مراقب

فرزندان میباشند . درحالیکه دمی از تلاش بی نهایت فرو گذار نمیکنند تا به نیات شاهنشاه در رفاه حال اجتماع و برخوردار نمودن تمام طبقات مردم از زندگی بهتر و فرهنگ و بهداشت و رهبری جوانان و حل مشکلات آنان جامه عمل بپوشانند .

زنهای بعضاویت شوراهاي داوری در آمده‌اند



همان اشخاص فاقد حقوق انسانی که آنها را ملقب به ضعیفه نموده در شمار دیوانگان و خارج از رشد مجتباًح قیم و سرپرست درآورده بودند امروز دستی از غیب بیرون آمد و بر سینه نامحرمان زد . در خانه‌های انصاف و شوراهاي داوری وارد کرد تا در تعیین سرنوشت مرد و زن مداخله و اظهار عقیده بکنند .

زنان و کمیل دادگستری هستند

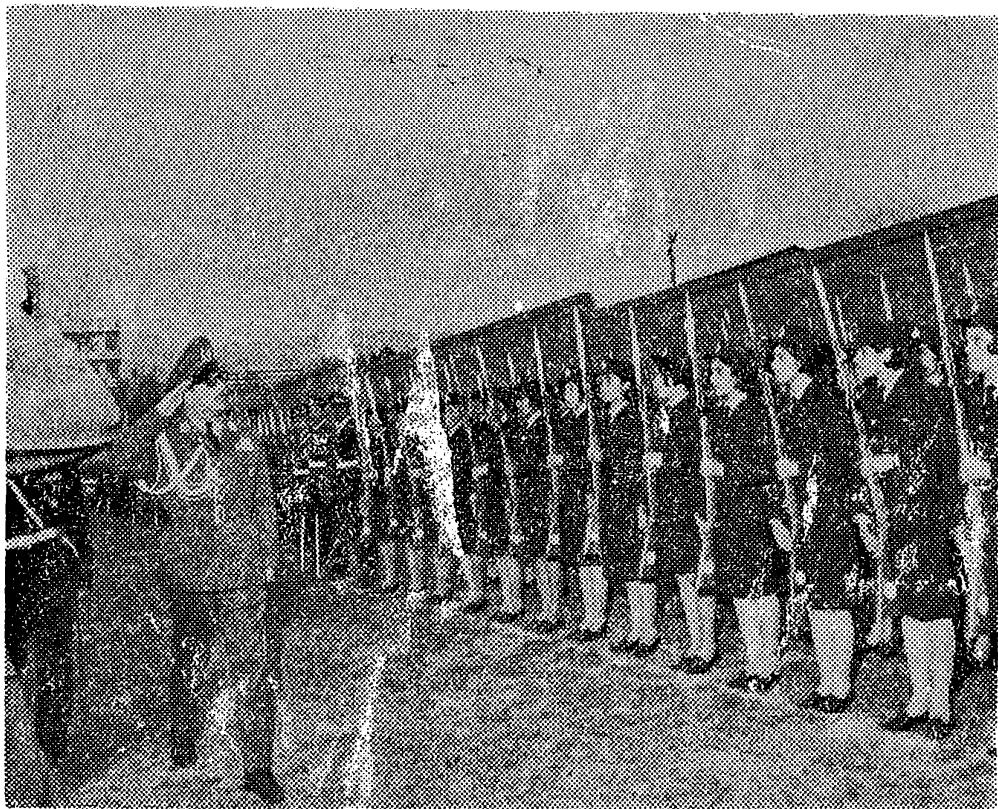
زنها در دادگاه‌ها دعاوی حقوقی را با زبردستی حل و فصل می‌کنند
حتی در پاره‌ای موارد که نیاز به دخالت احساسات دارد بهتر از مردها
میتوانند اختلافات شدید را با نرمی و ملایمت بر طرف سازند. صلح و
صفا را جانشین دعوا و عصبا نیت قرار بدهند.

زنها بر هم‌سند قضایت می‌نشینند

هم‌اکنون عده‌ای دختر دانشجوی حقوق در رشته قضائی تحصیل
می‌کنند و در دادسرای تهران طبق برنامه خاصی بکارآموزی مشغولند.
بزودی بکسوت قضای که سالها از آن محروم بودند درمی‌آیند.

زنها در صفت پلیس خدمت می‌کنند

انتظامات عبور و مرور و سایر خدمات پلیسی را با رغبت قبول
کرده با لیاقت از عهده بر می‌آیند.



زنان در صفت پلیس خدمت می‌کنند

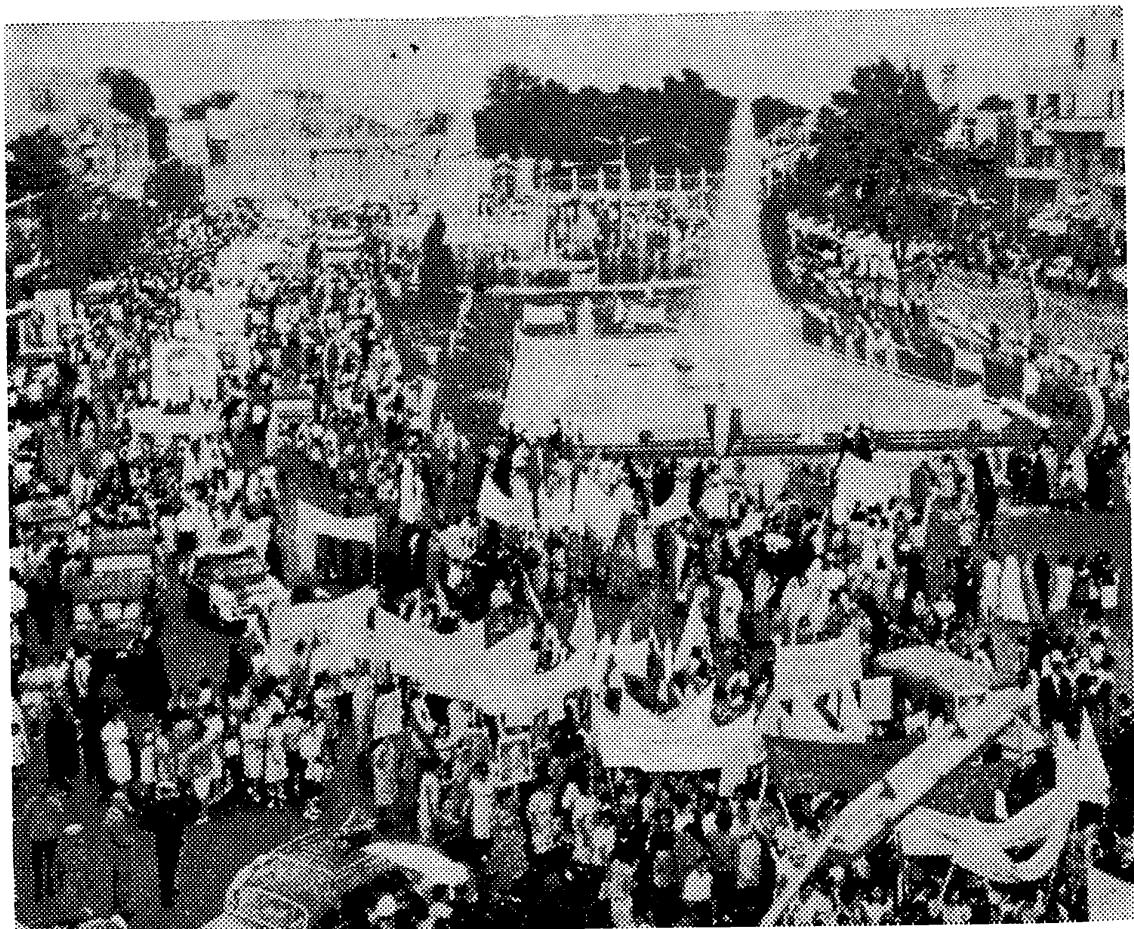
زنها در رشته‌های نظامی موفقیت دارند

زنان ایرانی در رشته‌های نظامی افتخارات شایانی کسب کرده‌اند. در نیروی هوائی، دریائی، زمینی تا درجه افسری ارتقاء یافته هم‌دیف با مردان خدمت و کسب افتخار می‌کنند.

نخستین کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر در ایران

۱- این کنفرانس با نطق مهم شاهنشاه آریامهر گشايش یافت. والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی بپاس فعالیتهای پی‌گیری که در راه اعتلای مقام زن می‌فرمایند برباست کنفرانس انتخاب شدند. پیش‌فتنهای که در زمینه اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر در مدت ۲۰ سال گذشته روی داده است مورد بررسی قرار گرفت. کنفرانس نظر خود را در مورد تصمیماتی که با استی برای موافقتهای بین‌المللی درباره حقوق بشر اتخاذ شود اعلام کرد. روز ۲۳ اردیبهشت ماه بدنبال یک جلسه هیجان‌انگیز بکار خود پایان داد. «اعلامیه تهران» را نمایند گان ۸۱ کشور عضو تصویب کردند. اما مهمترین حقیقتی که در خلال این وقایع پی‌درپی که در ایران روی میدهد بخوبی آشکار می‌شود این است که ایران نه تنها بموجب یک انقلاب واقعی دوران بد بختی را پشت‌سر گذاشته بجلو می‌تازد؛ بلکه تشکیل این مجلس بین‌المللی در تهران مدل میدارد کشور ما در ردیف پیش گامان استقرار عدالت و صلح در تمام دنیا درآمده است؟ ما خود که شاهد سیر تحول سریع در اوضاع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشورمان هستیم. در فاصله کوتاه ظلمت و حشتناک گذشته و

در خشنندگی خیره کننده امروز را دیده‌ایم شایسته است که از خداوند توفیق شاهنشاه دانو و توانا را مسئلت داشته از اینکه رهبری خردمند بما داده است شکر گذار باشیم .



تظاهرات عظیم زنها هنگام منشور اعلام انقلابی شاهنشاه آریامهر که پس از گذشت نیم قرن از مشروطیت ایران دمکراسی واقعی در این کشور بوجود آورد در سرتاسر تاریخ ایران بی‌مانند بود

پنجمین دو م

زن ایرانی در دوران گذشته

«کس چو زن اند رسیا هی قرنها منزل نکرد»

«کس چو زن در معبد سالوس قزبانی نبود»

«در قفس می آرمید و در قفس میداد جان»

«در گلستان نام این مرغ گلستانی نبود»

«دادخواهی های زن میماند عمری بی جواب»

«آشکارا بود این بیداد پنهانی نبود»

از اشعار پروین اعتصامی

زنان ایرانی با گذشته درخشانی که داشتند . تاجداران ، سیاستمداران و جنگجویانی که از آنها بر میخاست بعلم مقتضیات سیاسی و مشکلات جهانی مانند تاخت و تاز مغولان و اعراب بر ایران و جوشیدن حس غیرت و تعصب مردان بیمی که از معاشرت زنان خود با بیگانگان داشتند یکباره خانه نشین شدند بالاخره برای اینکه گاهی برای انجام کارهای ضروری ناچار بودند از خانه خارج شوند خود را در پوششی ضخیم مخفی میکردند . رفته رفته اسیر و زندانی چادر و

خانه نشین شدند. در نتیجه جهل و بی خبری طوری از مقام و ارزش معنوی خویش بی اطلاع ماندند که تصور کردند در بــ وستان اجتماع همچون گیاهان ضعیفی لاهستند که باید در سایه درختان تقومند دور از تابش آفتاب به حیات خود ادامه بدهند، طفیلی نباتات سر سبز پر قوت باشند و از آنها تغذیه کنند تنها گاهگاهی از کنج یکی از حیر میراها و عشر تکدهای بزرگان که زنها شمع سوزان بزم آنجا بودند اشعار نفرز و اندوهبار یکی از پرده نشینان بگوش میرسید و مایه اعجاب سخن شناسان میگردید. این تراویش فکری آنها را در لوح سینه ضبط میکردند و به دیگران میسپردند.

هر گاه بعضی زنان زیراک و دلربا مخفیانه بطور غیر مستقیم درسیاست خانواده یا کشور دخالتی میکردند، مراد خویش را با تدبیر بر کرسی می نشاندند. این تیز هوشی و فطانت را هم مردان که منکر همه نوع استعداد زن بودند مکرر زنان مینامیدند و مردم را از آن بر حذر میداشتند. از آنجا که جز دست تعظیم بسینه گذاشتن و مطیع محض بودن از زن انتظاری نداشتند هر گونه پدیده عقل و ادراک او را به هجو و تحقیر گرفته به صفتی مذموم مانند تزویر و حیله تعبیر میکردند. اوضاع سالها برای منوال میگذشت تا در تاریخ ۱۳۲۴ هجری قمری که تلاش برای آزادی ملت ایران را به هیجان آورد، آتش درونی زنها را دامن زد. از زیر خاکستر قرنها رنج و بد بختی آسرا شعلهور ساخت.

۷ تاثیر انقلاب مشروطیت در بیداری زنان ایران

گرچه انقلاب مشروطیت ایران بوسیله دو شنفکران جامعه اداره میشد اما تمام مردم این سامان که از بیداد گر بهای حکومتهای استبدادی وقت و خرابی و پریشانی اوضاع و احوال عمومی بجان آمده بودند پشتیبان آن شدند. زیرا نطقهای پر حرارت دانشمندان آزادیخواه و واعظان رهبر انقلاب پرده‌های سنگین بیخبری را از پیش چشمان مردم جاهل بالا زد، از خواب غفلتی که در آن بسر میبردند و تحملی که بدون هیچگونه اعتراض نسبت بسر نوشته شوم خود میکردند متنبه و هشیار نمود. بخصوص که سخنوران تفسیر و ترجمه احکام دین اسلام را باطلاع عامه میرساندند و در آشکار نمودن حقایقی که از آنها پنهان کرده یا بصورت دیگر جلوه داده بودند اصرار میورزیدند. زنها حتی مردها دانستند همچنانکه هیچیک از عبادات و تکالیف دینی از زن ساقط نشده هیچیک از حقوق بشر یهم از آنها سلب نگشته است. مخصوصاً که پیشوای مسلمانان توجه کامل به وقایت مادر داشته لزمه بهر ۵ هند شدن از مراتب عالی دانش و پژوهش و داشتن شخصیت ممتاز را برای زن تأکید کرده است. زنهای ایران چشم گشودند و در داورای محیط تنگ و محدود حرم‌سرها و پشت پرده ضخیم چادر و نقاب افق وسیعتری بنظر آوردند، رایحه معطر آزادی را استشمام کردند گوششان با کلمات خوش آیند حق و قانون آشنا شد.

این قافله سالارهای آزادی طلب طی سالیان متعددی که با کشورهای

اروپائی تماس داشتند ترقیات روزافزون آن ملت‌ها را دیده بودند، بخوبی احساس میکردند که عقب ماندن زنها از سیر تمدن چه ضررهای فاحش دارد و بسیج کردن قوای آنها در این موقع وخیم علاوه بر اینکه در پیکار عمومی نیروی مهمنی بشمار می‌آید این زنها هستند که باید نسل آینده را برای خواستن آزادی و زیستن در آزادی تربیت کنند، و اجازه ندهند دوباره ظلم و زور واستبداد بنیاد خانه آنها را تزلیل کنند بعلاوه خانواده‌ای خرافی را که برای پذیرائی از جوانان دنیا می‌دهد و فهمیده غیرقابل تحمل بود اصلاح بکنند؛ الحق زنها مستعد می‌باشند ما جوهر ذاتی خود را خوب نشان دادند. وظیفه خویش را ببشن از حد انتظار از عهده بر آمدند. در آن روزهای پر خطر که آزادی خواهان برای از پا در آوردن غول استبداد با تمام قدرت خود تلاش و پیکار میکردند، با کمال شگفتی دیده شد هر کجا مردان از جان گذشته گرد آمده تقاضای احقاق حق و عدالت و مساوات داشتند بطور حتم عده‌ای از زنان که سالیان متمادی عروسکی بی‌اراده و بازیچه مردان بشمار می‌آمدند برای نامیدن آنها علناً کامه ضعیفه بکار میبردند، هر گونه پدیده‌هوش و تدبیر آنها را به سخره میگرفتند همان‌طور مستور در چادر و چاقچور، رو بندھای سفید خود را بدور گردن پیچیده اسلحه بدست گرفته زیر باران گلو له و فشار سرنیزه پسران و شوهران را یاری و تشویق به پایداری مینمودند.

قسمتی از کتاب انقلاب سفید بقلم شاهنشاه آریامهر را عنوان شاهد این ادعا نقل میکند.

«باید با حس احترامی عمیق به شخصیت و اصالت ذاتی زنان ایرانی این حقیقت را ناگفته نگذاشت که حتی در تاریکترین ادوار اجتماعی زنان ایران موجودیت خویش را در شئون مختلف

بایثبات رسانیده و آن فروغ معنوی را که از مشخصات نژاد ایرانی است بصور تهای مختلف بتجلى در آوردند، که یکی از آخرین نمونه های بارز آنرا در یکی از فصول سیاسی و اجتماعی عصر جدید ایران یعنی در ۱۳۹۰ شمسی میتوان دید. اندکی قبل از آن سال دو دولت روس و انگلیس ایران را طبق قرارداد معروف ۱۹۰۷ مسیحی بین خود بمناطق نفوذ تقسیم کرده بودند. چون دولت ایران به استخدام مورگان شوستر امریکائی برای اصلاح وضع گمرک و هائیه ایران اقدام کرد و وی خود را در عمل یک مأمور وظیفه شناس و بیغرض نشان داد دولت تزاری روس که مایل به بهبود وضع مالی ناسامان ایران نبود برای طرد و اخراج او یک اولتیماتوم چهل و هشت ساعته بدولت ایران داد و بالفاصله قشون خود را وارد شمال کشور کرد. این اتمام حجت تظاهرات ملی مختلفی را در ایران باعث شد که مهیج ترین آنها تظاهر دسته جمعی عده زیادی از بانوان ایرانی بود. در این باره خود شوستر در کتاب جالب خویش بنام اختناق ایران مینویسد «درود و عزت بی حد به زنان رو بسته ایران باد! زنانی که سنت های اجتماعی حصاري نفوذ ناپذیر بر گرد آنان کشیده بود. زنانی که عاری از استقلال اجتماعی و فکری بودند و هیچگونه امکاناتی برای کسب دانش و پرورش روحی خویش نداشتند و با وجود این عشق سرشار به وطن روح آنها را سیراب کرده بود. با این عشق بود که موقعیکه شهرت یافت و کلای مجلس ایران در جلسه سری تصمیم به تسليم در برابر زور گرفته اند این زنان تو هیین بیگانه را مردانه پاسخ گفتند و در یک روز و یک ساعت سیصد تن از ایشان از خانه ها و حرمسراها محصور خویش با چهره های از خشم برافروخته بیرون آمدند و در حالیکه بسیاری از ایشان در زیر چادر های سیاه خویش طپانچه هائی پنهان داشتند به ه مجلس رفته اند و در آنجا تقابه ها را پاره کردن و اعلام داشتند که اگر و کلای مجلس از روی ترس و زبونی شرافت هلت ایران را زیر پا هیگذار ند هم آنان و هم شوهران و هم فرزندان خویش و هم خودشان را خواهند کشت تا لااقل اجساد آنان گواه شرف ایرانی باشد» سپس شاهنشاه میفرمایند «آیا چنین زنانی مستحق آن بودند که هم چنان از شر کت درزندگی اجتماعی مجروم بمانند.

به آن مهمانی نزوم چون تو طئه‌ای در کار است. من بمهمانی نرفتم. وقتی در صدد تحقیق برآمدم معلوم شد گفته آن شخص درست بوده است. پس از این ماجرا از آن شخص پرسیدم که چگونه از این تو طئه مستحضر شده است. جواب داد مادرم عضوانجمن سری زنان ایران است در این انجمن همه قسم اقدامات برای جلوگیری از دسیسه خیانت کاران انجام می‌یابد که از آن جمله کسب اطلاع درباره وضع شما است که مستشار ایراندوست میباشد».

نظر بهمین فداکاریهای ارجمند بود که در آن زمان خلقان آور و تعصبات شدید و دسیسه‌های گوناگون، وقتی زعمای قوم قانون اساسی را تدوین کردند، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را برای قاطبه‌های ایران قائل شدند. ابدأً از محرومیت زنان و عدم دخالت آنها در امور حقوقی و سیاسی ذکری نکردند. بعدها یعنی در جمادی‌الآخر سال ۱۳۲۷ قمری که نظامنامه‌ای برای انتخابات تهیه شد و بصحب محمد علیشاه قاجار رسید در شرایط کسانی که از حق انتخاب کردن مطلقاً محروم‌بودند «نسوان، اشخاص خارج از رشد و آنها که در تحت قیمومت شرعی هستند، ورشکستگان بتقصیر، مرتكبین قتل و سرقت، مقصري‌بی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده‌اند الی آخر. باين صورت باز هم زنان رسماً از حقوق انسانی بی بهره ماندند، ضررهای این محرومیت همچنان در تربیت نسل و تزاد ایرانی ادامه یافت.

تأثیری که از تبلیغات پیشوایان آزادی و جانبازیهای زنان در زمان انقلاب بجای ماند بیداری یك عده اشخاص مستعد و پیدایش محدودی زنان دلیر و هشیار میباشد که حرارت آزادیخواهی را در کانون قلوب خود حفظ

کردند . البته به کنده اما با روشی پی گیر و متین در جاده ناهموار ترقی افتان و خیزان پیشرفتند ، مبارزات آنها ستونهای نهضت زن ایرانی را استوار کرد ؛ مدارسی که بسعی زنها برپاشد ، جمیعتهای که تشکیل گردید ، مقالات و روزنامه‌ها که منتشر کردند نقش مهمی در فعالیتهای بعدی داشت . ولی از آنجا که حکومت ایران در آن زمان نمیتوانست پشتیبان محکمی برای آنها باشد و پیدایش سازمان نوین با شرایط موجود احتیاج کلی به قدرت و رهبری فوق العاده‌پا بر جاداشت ، تمام کوشش‌های زنان بزودی خنثی میشد و مغرضین آنها را در هم میشکستند بدون اینکه نتیجهٔ مهمی عاید گردد .



طوبی آزموده

زنی باشہامت واراده که اویین
سنگے بنای آموزشگاه‌های
دخترانه را در ایران گذاشت.

این پرچمدار نهضت فرهنگی دختران رو بسته و حرم نشین اند کی
پس از اعطای مشروطیت در سال ۱۲۸۶ شمسی در منزل شخصی مدرسه‌ای
بنام (ناموس) تأسیس کرد در حاليکه او ضعع ایران بسیار منقلب و این
اقدام مهم مخالف منافع و میل کهنه پرستان بود. هر لحظه بیم آن میرفت
که مؤسسهٔ تربیتی را طوفان تکفیر و افتراء که در آن زمان شدت داشت
از هم بپاشد. حتی مؤسس فداکارش را بخطر جانی و هتك آبرو و
حیثیت مبتلاسازد. همچنانکه اشعار هجو عامیانه سروده و در سر زبانها
می‌انداختند دختران مدرسه را متهشم به بی‌عفتی می‌کردند. اما این زن
با اراده آنقدر متأنت و بر دباری و مقاومت نشان داد که توانست مدرسه
ناموس را در محلی بزرگ در خیابان شاهپور فعلی بصورت یکی از
مهمنترین و مجهرزترین مدارس متوسطه کامل و کانون پروردش دختران
درآورد. در آنجا کلاس‌های اکابر برای زنان بزرگ سال دایر کند.

بمنظور این که مدلل دارد تعلیم و تربیت زنان با مذهب اسلام منافات ندارد و طبق تعالیم این دین مبین است در تمام کلاسها کتابهای مذهبی و قرآن تدریس میشود . سالی چندروز مجلس روضه خوانی برپا میگردد .

باید در نظر داشت که تهیه معلم برای مدرسه دخترانه در آن زمان تا چه اندازه کار مشکلی بود . زیرا زن باسواند که لیا ت تدریس کردن داشته باشد یافت نمیشود استفاده از معلم مرد هم بدنامی و هو و جنجال در پی داشت که منتهی به بسته شدن مدرسه میگردد . این بانوی مصمم شبهها در خانه شخصی از پیرمردان دانشمند بوسیله شوهر خود دعوت بعمل میآورد تا برای دختران دروس سنگین آن زمان را که شاگردان شش ساله ابتدائی بایستی از عهده امتحان برآیند تدریس کنند . دسته اول شاگردان فارغ التحصیل دستان ناموس بانو توران آزموده خواهرزاده طوبی خانم (بانو آموزگار) بانو فخر عظمی ارغون ، بی بی خانم خلوتی ، گیلان خانم ، فرخنده خانم و مهرانور سمیعی میباشند . تمام آنها از بانوان دانشمند هستند و جزو اولین دخترانی بودند که به اخذ تصدیق نامه رسمی فرهنگی نائل شدند .

اما راجع باین که خود طوبی آزموده چگونه تحصیل کرده بود داستانی شنیدنی دارد . بسال ۱۲۵۷ شمسی متولد شد پدرش مر حوم میرزا حسن خان سرتیپ بود دختر خود را در سن چهارده سالگی به همسری عبدالحسین میر پنچ که مرد دانشمندی بود درآورد . این زن و شوهر فرزند نداشتند و اختلاف سنی آنها زیاد بود شوهر برای مشغول داشتن زن خود او را وسیله معلم‌ان خصوصی بتحصیل فارسی و عربی و فرانسه تشویق کرد . همینکه فروغ دانش به دید گانش تا بید در صدد

برآمد تا نهال علم را در نهاد دختران آن زمان بکارد و آبیاری کند و تمام هم خود را مصروف این خدمت اجتماعی کند الحق از عهده وظیفه خطیر یکه بر عهده گرفته بود بخوبی برآمد و نام خود را زیب صفحات تاریخ کرد. طوبی آزموده بسال ۱۳۱۵ فوت کرد در حالیکه در زمان حیات او عده قابل ملاحظه‌ای از دختران به یمن سرپرستی او موفق به خاتمه تحصیلات ابتدائی و دوره کامل متوسطه شدند و اغلب آنها در مدارس دخترانه به خدمات فرهنگی و توسعه آموزش و پژوهش پرداختند. مردانیکه با طوبی خانم در راه این مقصد مقدس مساعده کردند سید جوادخان سرتیب، میرزا حسن رشدیه، نصیرالدوله و ادیب الدوله میباشند.

یک برگ امتیاز نامه مدرسه ناموس عیناً چاپ میشود



طبله ایشانگر ۲۰۰

وزارت امور خارجہ و وفاقی

ادارہ ملکہ شمارہ ۱۶۹

جن خود کو اپنے دل میں رکھ دیں اور اپنے بیان کی طبق
بھروسہ دے۔ سچھا نہیں کہ جو بھروسہ دیا گی تو اس کو
اپنے بیان کو دوچار کرنے کا حق نہیں اور اس کو دوچار کرنے
کی وجہ میں بزرگ ترین سیکھی کو دوچار کرنے کا حق نہیں
کیونکہ ایک دوسرے کو اپنے بیان کی طبق

وہی زیر فرض نہیں

کہ اس کو اپنے بیان کی طبق
کو دوچار کرنے کا حق نہیں
کیونکہ اس کو اپنے بیان کی طبق
کو دوچار کرنے کا حق نہیں اور اس کو دوچار کرنے
کی وجہ میں بزرگ ترین سیکھی کو دوچار کرنے کا حق نہیں

مدرسه دخترانه امریکائی

مدرسه فرانکوپرسان

ناگفته نگذاریم که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار مبلغان مسیحی در تهران مدرسه دخترانه امریکائی را تأسیس کردند ولی مدت‌ها تحصیل کردن در آن آموزشگاه مخصوص دختران خارجی یا مسیحیان مقیم ایران بود . به عیق وجہ دختران مسلمان حق و دود به آنجا نداشتند همینکه پس از مشروطیت مدارس دخترانه گشوده شد مدرسه امریکائی توانست دختران مسلمان را بپذیرد .

مدرسه فرانکوپرسان در تاریخ ۱۲۸۷ شمسی وسیله یوسف‌خان ریشار مؤدب‌الملک بصورت کلاس خصوصی در منزل آغا‌ازگردید و اختصاص به دختران خود او و دوستانش داشت . پدر یوسف‌خان را ناصرالدین شاه برای تدریس در مدرسه دارالفنون از فرانسه استخدم کرده بود که بعد مسلمان شده بازی ایرانی ازدواج نمود . مدرسه فرانکوپرسان بعدها یکی از بهترین مدارس دخترانه بشمار آمد و دارای آزمایشگاه ، لوازم تدریس سمعی و بصری فراوان بود . زمان وزارت نصیرالدوله کلاس‌های اولین دارالعلمات ایران ضمیمه این مدرسه شد .



محترم اسکندری

اولین جمعیت زنان ایران را بنام
نسوان وطنخواه در تهران برپا داشت.

محترم اسکندری دختر شاهزاده علیخان «محمدعلی میرزا اسکندری» در سال ۱۲۷۴ شمسی متولد شد. نزد پدرش کسب علم میکرد. پس از آن در محضر مرحوم میرزا علی محمدخان محققی بتکمیل زبان فرانسه و ادبیات و تاریخ پرداخت. بعدها استاد و شاگرد پیمان همسری بستند. پدرش از آزادیخواهان مبارز بود که سال‌ها قبل از انقلاب مشروطیت با سایر روشنفکران انجمن آدمیت را تأسیس کرده بود. سلیمان میرزا و یحیی میرزا که از پیشقدمان نهضت مشروطیت بودند از جمله اعضای فعال آن انجمن بشمار میرفتهند. محترم خانم از طفویلت با رفقای پدر از جمله میرزا طاهر تنکابنی بگفتگو میپرداخت و درباره محرومیتهاي زنان بحث و مجادله داشت روحی نازرام وسری پر شور پیدا کرد. قبل از انقلاب مشروطیت انجمن آدمیت شناخته و منحل گشت ولی بعد از انقلاب بنام دیگر «انجمن

حقوق» تشکیل گردید و مجله حقوق را انتشار داد. در باره حقوق زنان هم غالباً سخنی بمیان میآورد که آنهم با پیش آمدن استبداد صغیر در میان تغطیل افتاد. محترم خانم با انتظار زیادی که از انقلاب برای احقيق حقوق زن داشت بعد از پیروزی آزادیخواهان مشاهده کرد آنچنان که باید بحقوق زنان نمی‌اندیشند. ناچار قدم در میدان مبارزه گذاشت و با عده معدودی از زنان آزادیخواه تماس گرفت و جمعیتی تشکیل داد و بریاست آن جمعیت بر گزیده شد. با آسیبی که به ستون فقرات او وارد شده بود و با پشت خمیده راه میرفت فعالیت و پشتکار و شجاعت فراوان در پیشرفت منظور خود بخرج میداد. اعضای هیئت رئیسه این جمعیت هر یک از شخصیتهای شجاع و فداکار بودند. برای پی بردن به مقام بلند آنها باید شرایط زمان و مکان آن دوران را در نظر گرفت که برای زن حق هیچگونه اظهار وجودی قائل نبودند و هر یک از این بانوان خود محکوم به اطاعت از پدر و شوهر و برادر و حتی بستگان دور خویش بودند. بانوان نورالهدی منگنه، فخر آفاق پارسا، فخر عظمی ارغون (عادل)، مستوره افشار، صفیه اسکندری از جمله اعضای سرشناس جمعیت نسوان وطنخواه بودند.

هدف این جمعیت طبق اساسنامه‌ای که باقی مانده است پس از تأکید در حفظ شعائر و قوانین اسلام عبارت بود از سعی در تهذیب و تربیت دختران، ترویج صنایع وطنی، باسواندن زنها، نگاهداری از دختران بیکس، تأسیس مریضخانه برای زنان فقیر، تشکیل هیئت تعاونی بمنظور تکمیل صنایع داخلی، مساعدت مادی و معنوی نسبت به مدافعين وطن در موقع جنگ.

در ماده ۱۷ جمیعت نسوان وطنخواه بر خود لازم میداند در اموری که از وظایف مصرحه این جمیعت و موکول به مساعدت دولت میباشد مستقیماً یا بوسیله مقالات ولوایح در جلب توجه و مساعدت اولیاء امور اقدام نماید.

جمعیت مجله‌ای بنام «نسوان وطنخواه» منتشر کرد کلاس اکابر تأسیس نمود. هر کجا عده‌ای از زنان و دختران اجتماع میکردند حتی در مهمنیها و جشن‌های مدارس اعضای جمیعت نطق‌های پر حرارت ایراد میکردند و زنان را به درخواست حقوق خویش تشویق مینمودند. محترم اسکندری و جمیعت او برای اینکه موجزه‌یت زنان را نشان بدهند به اقدامات پرسروصدائی دست میزدند که در آن روزگار از خود گذشتگی لازم داشت. از جمله سوزاندن جزو‌های مکرر زنان بود در میدان توپخانه (سپه فعلی) چون اطفال روزنامه‌فروش بطور اهانت آمیز برای فروش آن فریاد میزدند. محترم خانم و سایر بانوان عضو هریک مقداری از آن جزو‌ها را جمع آوری کرده در میان میدان آتش زدند. اینکار تولید هیاهوی زیاد کرد و محترم خانم را به نظمیه کشیدند. در آنجا از موقع استفاده کرده شروع به تبلیغ نمود و اظهار کرد این عمل ما برای دفاع از آبروی مادران و خواهران شما است. ما هم مثل تمام انسانها عقلداریم، مکار نیستیم. سخنان باشور و حرارت و تأثیر آمیز او در افسران نظمیه اثر کرد و آنها را بحمایت از او برانگیخت. محترم خانم بعدها با وجود کسالت یک مدرسه دولتی را اداره میکرد. بوقایع و اقدامات دیگر این جمیعت ضمن شرح حال سایر بانوان عضو جمیعت نسوان وطنخواه اشاره خواهد شد.

این زن مبارز در سال ۱۳۰۲ برای عمل جراحی روی استخوان پشت حاضر شد متأسفانه در حالیکه هنوز کمتر از سی سال داشت چشم از آرزوهای بزرگ خود بست.

مستوره افشار

یکی دیگر از مشعلهای فروزانی که دوران تاریکی زنان را نورپاشی میکرد مستوره افشار بود.

این بانو دختر مجدد اسلطنه افشار از رادمردان روشنفکر رضائیه، مادرش دختر امامقلی میرزا ملک قاسمی شخص مقتدر و میهن پرست آذر با یجان است بجز زبان مادری در مدت اقامت طولانی در تفلیس زبان روسی و در اسلامبول زبان ترکی و فرانسه را آموخت از جوانی هدف او پیش بردن جامعه عقب مانده زنان ایرانی قرار گرفت. تجربیاتی که در کشورهای خارجی اندوخت پس از بازگشت به میهن عزیز صرف بیداری زنها و بدبست آوردن حقوق انسانی آنان کرد. از بانوان باعزم و اراده انجمن نسوان وطنخواه بود که پس از فوت محترم اسکندری با کمک سایر بانوان تشکیلات آن را حفظ کرد. در تمام فعالیتها مانند: تأسیس کلاس اکابر، مجالس سخنرانی، انتشار مقالات در روزنامه‌ها کوشش فراوان کرد. اطلاعات او از ترقیات سایر کشورها بسیار سودمند واقع شد و توانست عده‌ای را ولو انگشت شمار جهت پذیرش مقام واقعی زن و مادر آماده سازد. یکی از منظورها که مورد توجه قرارداد راضی کردن خانواده‌ها بود برای فرستادن دختران خود به مدارس معبدودی که با فداکاری و خون دل برای باسواند کردن دختران گشوده میشد. خوشبختانه با نفوذ کلامی

که داشت پندهایش تا حدی مورد قبول واقع میگردید .
 اولین کنگره بینالمللی زنان در ایران در زمان فعالیت مستوره
 افشار در تهران تشکیل شد که شرح آن خواهد رفت . این با نو دو
 خواهر داشت بنامهای هایده و آلبجا که عضو جمیعت نسوان وطنخواه بودند
 مستوره افشار در سن ۶۵ سالگی بسال ۱۳۲۴ شمسی بدرود زندگی گفت .



صدیقه دولت آبادی

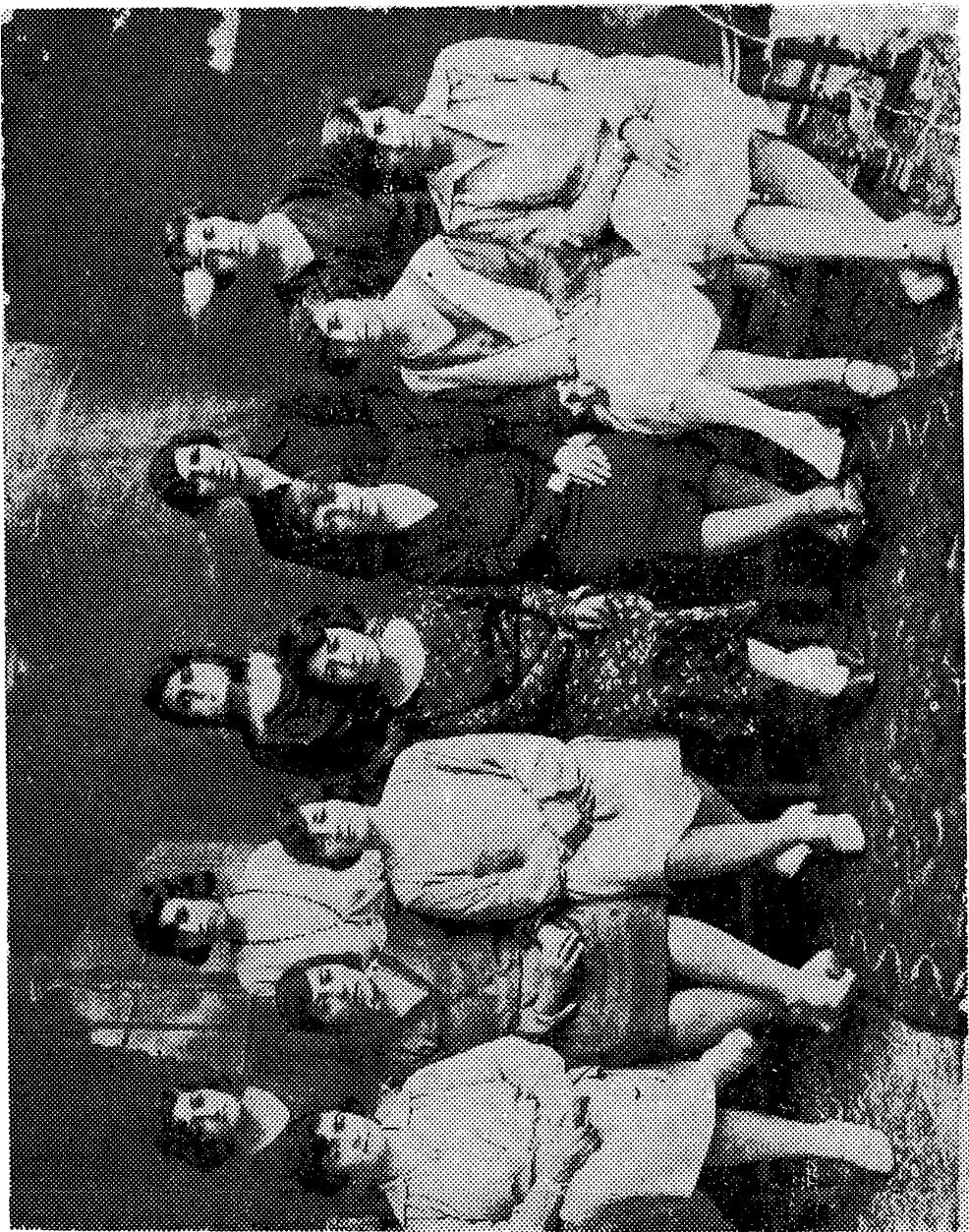
زنی از خاندان روحانی که
 با عزم راسخ قید و بند آداب و
 رسوم خانوادگی را در هم
 شکست و برای آزادی قیام کرد

جد مادری صدیقه دولت آبادی آخوند ملاعلی مجتبه حکیم نوری
 مقیم اصفهان است . شاگردان زیاد داشت . دو دختر او با اجازه پدر
 پشت تحریر می نشستند و از محضر پدر استفاده میکردند . دو سید محترم
 که برادر بودند در همان جلسات درس شرکت داشتند . روزی که این
 طلاب علموم دینی بدرجه اجتهاد رسیدند آخوند خطاب به شاگردان
 کرده گفت : من دو دختر بیست و یک و بیست و سه ساله دارم که در
 پشت این تحریر هم درس شما هستند هر کدام مایل بوصلت با من هستند

کتابها را بیندید . ولی هیچکدام کتاب را نبستند . بالاخره آخوند که نظرش بیشتر به آن دو برادر بود پرسش را تکرار کرد . آنها که شاید حجب و حیا یا تنگدستی نمیگذاشت اظهار تمایل بوصلت با آخوند را بکنند این بار جرئت پیدا کرده کتابها را بهم گذاشتند . آخوند به آنها گفت مطابق قواعد شرع اسلام شوهر باید زن خود را یک نظر بیند و بعد عقد کند . شما اکنون پشت تجیر بروید و همسران خود را انتخاب کنید . دو برادر دختران را با صورت گشوده دیدند . برادر بزرگتر خواهان خواهر کوچکتر شد و برادر کوچکتر خواهر بزرگتر را پسندید . همان موقع صیغه ازدواج جاری شد . مادر صدیقه دولت آبادی نواده یکی از این دو برادر یعنی میرعلی آقا و بیگم صاحب بود . پدرش حاج میرزا هادی دولت آبادی از علماء معروف اصفهانی است . چند دختر و پسر داشت که در خانه نزد معلم بتحصیل واداشت . در شانزده سالگی به ازدواج مردمی درآورد . چون در آن موقع رضای دختران مورد اهمیت نبود . همانوقت جزوهدان چرمی به دختر خود سپرد که پس از مرگ پدر بگشاید . بعد این معلوم شد ضمن عقد زناشوئی اختیار طلاق را از داماد گرفته به وکالت به دخترش داده است تا در صورت عدم سازش از آن استفاده کند . صدیقه دولت آبادی در سال ۱۲۹۶ مدرسه دخترانه که تا آن زمان در اصفهان نبود تأسیس کرد (بنام مکتب خانه شرعیات) سال بعد انجمنی بنام شرکت خواتین اصفهان ایجاد کرد در سال ۱۲۹۹ شمسی روزنامه «زبان زنان» را منتشر ساخت . نخستین روزنامه‌ای بود که بمدیری یک زن در ایران منتشر شد و برای بیداری زن اقدام نمود این بانو در ۱۳۰۱ مسافرتی به اروپا کرد . در

فرانسه مشغول تحقیق در رشته علوم تربیتی شد. همان وقت در روزنامه‌های فرانسه مقالاتی در باره استقلال زن ایرانی در مایمیل خود و برتری حقوق زنان مسلمان بر حقوق زنان اروپائی نوشت که بسیار جالب توجه شد و جراید درباره آن بحث کردند.

در سال ۱۹۲۶ میلادی در کنگره بین‌المللی زنان در پاریس به نمایندگی زنان ایران شرکت جست و نطق مؤثری ایراد کرد. در بازگشت به ایران که در عهد سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر بود با اینکه زنهای ایرانی همگی در حجاب بودند او چادر بسر نکرد. شغل مفتشی مدارس نسوان باو محول شد. ضمناً به خدمات اجتماعی ادامه میداد. سال ۱۳۱۶ کانون بانوان که به امر اعلیحضرت رضاشاه کبیر دو سال قبل تأسیس شده بود پس از انجام امر چادر برداری بصورتی که بود ضرورت نداشت وزارت معارف بمنظور باقی‌ماندن نام کانون سرپرستی آنرا به صدقه دولت آبادی واگذار کرد. این مؤسسه تحت مراقبت او مدت ۴۲ سال بصورت کانون تعلیم و تربیت سالم‌مندان و دختران جوان باقی‌ماند کلاس‌های دبستانی و دبیرستانی و هنر آموزی تشکیل داد تا پایان حیات (مرداد ۱۳۴۰) در همانجا میزیست و با وجود بیماری آنی از خدمت در راه ترقی معنوی زنان فارغ ننشست.



خشنده از چپ برآست : نفر اول فخر-آفاق پارسای ۲- ملواک اسکندری ۳- کبری چنانی ۴- هستوره افشار ۵- نصرت هشیری ۶- صفیه اسکندری ۷- عصمه الملک شریفی . استاده بانوان : ۱- مهرانگیز اسکندری ۲- بانو چنانی ۳- هایده افشار ۴- عباسه - قدیمه هشیری . هیئت مدیره جمعیت نسوان وطنخواه .

پروین اعتصامی



شاعر شیرین سخنی که
شاهکارهای ادبی او نمودار
احساسات پرشور درونی و
ناراحتی بیاندازه از تبعیضات
جنسی و نژادی و بی عدالتی رهای
اجتماعی میباشد .

کلماتش همچون بذری در کشتزار دلها میروید و ثمر میدهد ،
مانند نقشی بر لوح دلها تا ابد میماند . گرچه این رساله از
سخنوران با ارج قصد نام بردن ندارد زیرا از منظور این
نوشته دور میشود ، اما اشعار پروین انگیزه فداقاری و دست و پنجه
نرم کردن بمشکلات اجتماعی را برانگیخته دیدگان خفته را
بیدار و نیروهای را کرد را هشیار مینماید . پروین عضو هیئت مدیره
کانون بانوان بود . مصاحبت او برای همگی مایه افتخار بشمار میآمد
ولی او خود همواره ناراضی از محیط و اوضاع بنظر میرسید . روح
حساسش به اندک چیزی آزرده میشد و طاقت تحمل نداشت . پروین
یک روز که مختار دلتنگی پیدا کرد و باعث گریستن او شد کانون بانوان
را ترک کرد و دیگر با آنجا باز نگشت .

این سرلوحه افتخارات زنان در تاریخ ۱۲۸۵ شمسی در تبریز
متولد شد پدرش اعتصام‌الملک در شمار بز: گتربین نویسنده‌گان بود.
پرورین فارسی و عربی را نزد پدر آموخت دوره مدرسه امیریکائی تهران
را در ۱۳۰۳ پایان رساند. و ۱۳۱۳ با پسر عمومی خود ازدواج کرد
چون وصلتی نامتناسب بود به جدائی انجامید. از کودکی بسراییدن
اشعار اشتغال داشت و در شباهای تاریک کشور ما چون ستاره درخشان
نورپاشی میکرد در جوانی بسال ۱۳۲۰ درگذشت. در همین دوران
کوتاه عمر آوازه بلندی از خود گذاشت که تا زبان پارسی بماند، یادش
در دفتر روزگار باقی است.

اولین نمایشی که برای زنها و بوسیله زنها داده شد

جمعیت نسوان و طنخواه لازم دانست برای انتشار مجله نسوان و طنخواه و کلاس‌های بزرگسالان که قصد داشت جهت باسواندن کردن زنان دایر کند پولی جمع آوری نماید. باین منظور بفکر افتاد نمایشی برای زنها ترتیب بدهد تا باصطلاح با یک تیر دو نشان بزند ضمن تهیه مخارج کلاسها وسیله تفریح زنان خانه‌نشین را فراهم کند. باید متوجه بود در آن زمان سینما و نمایش رفتن مخصوص مردان و زنها از این‌هردو محروم بودند. نوراله‌دی منگنه‌یکی از اعضای باشهاست جمعیت داوطلب شد نمایش در منزل شخصی او که وسیع و نسبتاً مناسب بود داده شود. کارتهای نمایش را بنام جشن عروسی بچاپ رساندند. افراد جمعیت بین آشنا‌یان خود فروختند. برای اینکار یکی از شبههای ماه رمضان ۱۳۰۳ را انتخاب کردند زیرا در این ماه بود که زنها میتوانستند تا پاسی از شب گذشته در کوچه و خیابان آمد و رفت داشته باشند والا رسم بود زن آفتاب را بخانه ببرد یعنی پس از غروب خورشید خارج از منزل نباشد. در این نخستین نمایشی که برای زنها داده شد مجلس را با نور چراغهای نفتی و زنبوری روشن کردند. قریب سیصد زن البته با چادر سیاه و پیچه در آنجا حضور یافتند. بازیکنان تمام زن بودند. خانم طریان که دخترش امروز استاد دانشگاه است نمایش را هبری میکرد.

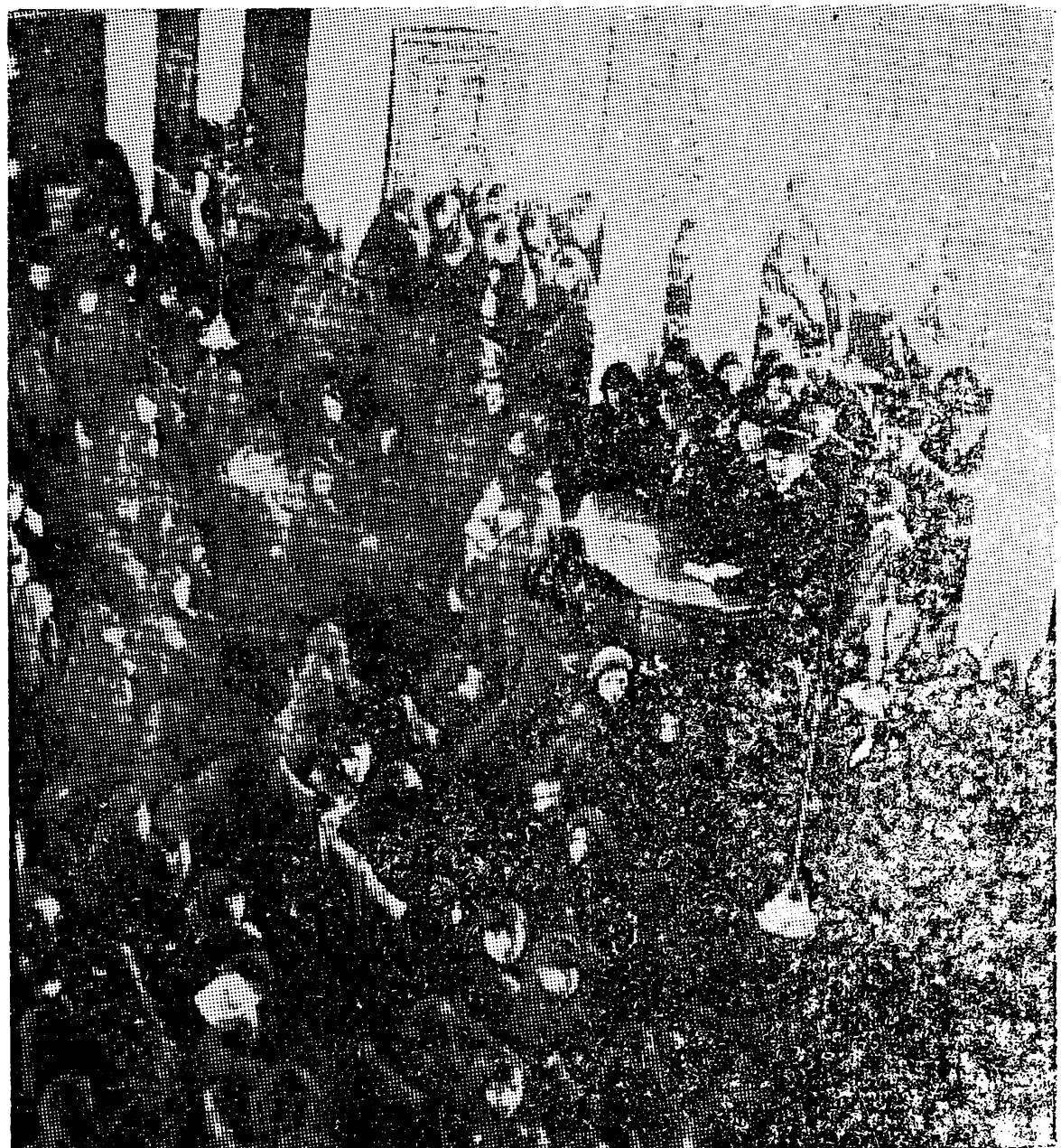
پرده اول به خوبی و خوشی خاتمه یافت حاضران غرق در لذت بودند که ناگهان در خانه را بشدت کوتفند از طرف اداره نظمیه دستور رسیده بود که فوراً مجلس را بزم بنند.

با اینکه قبل از کسب اجازه مجرمانه شده بود . و حشت همه را احاطه کرد. بیم بی آبروئی، بازخواست شوهران ، افتادن نام خانواده ها بر سر زبانهای او باش کار آسانی نبود . موضوع بسیار کسب اهمیت کرده بود. زنها با شتاب و دلهره از پشت بامها خانه بخانه فرار کردند. اعضای جمعیت و صاحب خانه عروس و داماد ساختگی را که حاضرداشتند بسالن آوردند . در را بروی مأمورین نظمیه گشودند . ولی قصیه خیلی و خیم شد روزهای بعد او باش محل و بچه های ولگرد که سرگرمی و تفریحی در آن زمان نداشتند و با جرئت میتوانستند نسبت بزنها رفتار اهانت آمیز داشته باشند با ناسزا گفتن و تهمت و افترابه اشخاصی که بانی این نمایش بودند تاختند و سیله برای تفریح خود و آزار و اذیت اهل خانه یافتند و دمی آنها را راحت نگذاشتند . حتی بسوی کسانی که از آن خانه خارج میشدند تف می انداختند یا چوب و سنگ پرتاب میکردند با تمام این احوال زنان شجاع و مصمم چندی بعد موفق شدند سه شب متوالی سینهای خصوصی در محل دیگر دایر کنند و کار کلاس های اکابر را روپراه بسازند .

فخر آفاق پارسای

بخاطر خدمت به رشد اجتماع رنج تبعید را تحمل کرد

پس از اینکه بواسطه اوضاع نامساعد زمان پنهان و آشکار بتحصیل پرداخت برای کمک به آهونز دختران در یکی از دبستانهای تهران به تدریس مشغول شد. در سال ۱۲۹۱ شمسی در همان مدرسه با مادر شوهر آینده خود که زنی تحصیل کرده و سمت مدیری مدرسه را داشت آشنا و وسایل ازدواج فراهم گردید. شوهر این بانو مدیر داخلی روزنامه ارشاد بود که چندی بعد به مشهد مسافرت کرد بانو فخر آفاق خدمت فرهنگی را در مدرسه فروغ مشهد ادامه داد، ضمناً تو انت امتیاز مجله جهان زنان را دریافت داشته در شهر مشهد آنرا منتشر کند. البته نهایت حزم و احتیاط لازم بود که مورد حمله مرتعین واقع نشود لذا با شیوه بسیار ساده فقط مطالب لازم جهت اصول زندگانی بهتر، بهداشت و روابط خانواده را به زنها می‌آموخت. پس از اینکه شغل شوهرش به تهران منتقل شد مجله را همچنان انتشار میداد ولی پس از چند شماره در محقق تو قیف افتاد زیرا کسانی بودند که با هر گونه ابراز وجود از طرف زنها مخالفت می‌کردند و میل نداشتند اوضاع بهیچوجه تکان بخورد. این بانوی ارجمند را شهر قم تبعید کردند. مدت دو سال بصورت تبعیدی در آنجا بسرمیبرد. تا اینکه در نتیجه اقدامات زیاد و ارسال نامه به پایتخت بالاخره با طلوع سلطنت رضا شاه کبیر به تهران بازگشت از آن پس با مجله عالم نسوان که وسیله‌عده‌ای از بانوان اداره می‌شد همکاری می‌کرد و با جمعیت نسوان و طنخواه بواسطه شغل نویسنده‌گی روابط صمیمانه برقرار ساخت و در انواع فعالیتهای آن تشریک مساعی مینمود.

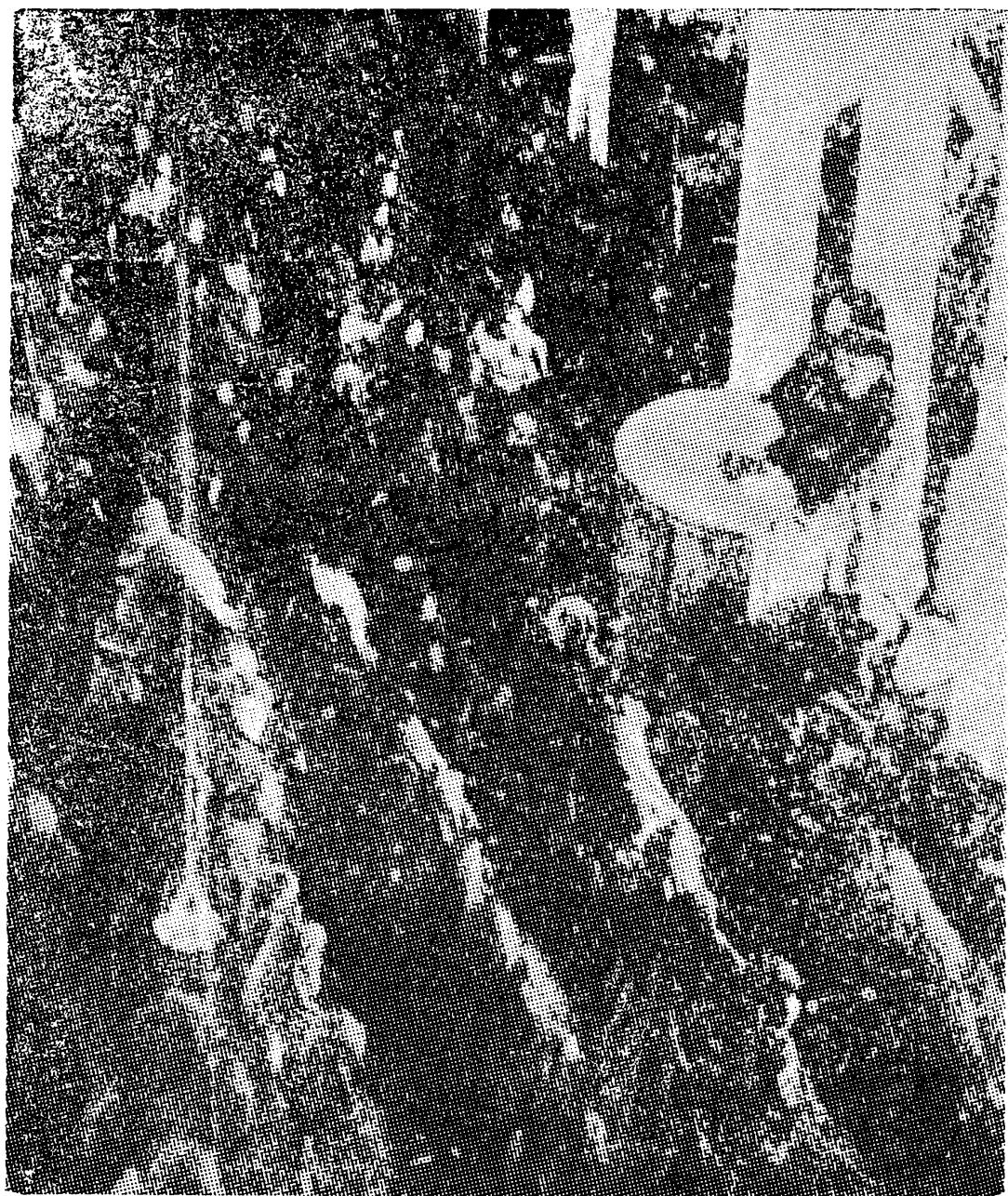


یکی از جلسات کنگره زنان در تهران. زنان با چادر سیاه و پیچه حضور
بافتندند سال ۱۳۱۱.

نخستین کنگره بین‌المللی زنان در ایران

سه نفر از بانوان فاضلۀ عرب به نامهای (نور حماده) از بیروت (حنینه خوری) از مصر (سیده فاطمه) از عراق به تهران آمدند تا کنگره زنان شرق را تشکیل بدهند.

سال ۱۳۱۱ شمسی مرحوم اودنگ از طرف دولت ایران معین شد تا آنها را راهنمائی و در سازمان دادن مجالس کنفرانس که برای زنانه بی‌سابقه بود همکاری کند جمعیت نسوان و طنخواه که در آن موقع پس از فوت محترم اسکندری مستوره افشار ریاست آن را عهدهدار بود از آنها استقبال و پذیرایی کرد. کمیسیون‌نهایی چندی تشکیل دادند. پیرامون ترقیات روزافزون زنانه اروپائی و محرّومیتهای زنان کشورهای عربی و ایرانی، لزوم جنبش و اقدامات جدی از طرف زنانه روشنفکر موضوع‌های مورد بحث کنگره بوده. حاضران در جلسات تمام زنانه با چادر و پیچه بودند بعضی بشدت ابراز احساسات بی‌شایبه می‌کردند رنج و عدم رضایت خود را از بی‌خبری و بی‌سوادی زنانه نمودار می‌ساختند ولی برخی ایز؛ صحبت‌ها را برای زنان ما که در پنجه بی‌رحم خرافات گرفتار و از شوهران خود سخت بی‌مناک بودند زود میدانستند طوری که از حضور خود در این مجلس و شنیدن این مطالب ناراحت شده مطمئن بودند مورد اعتراض مردان خانواده واقع خواهند شد.



جلسات کنگره زنان با حضور آقای اورنگ

اواین جشن رسهی مدارس دخترانه

نصیرالدوله وزیر معارف کابینه و ثوقالدوله به تأسیس یک دارالعلمات و ده دبستان دخترانه اقدام کرد .

سال ۱۲۹۶ شمسی ریاست دارالعلمات به مؤدب‌الملک یوسف دیشوار واگذار شد و کلاس‌های دارالعلمات ضمیمه مدرسه دخترانه فرانکو - پرسان گردید . دارالعلمات با کارданی این مرد دانشمند و فرهنگ دوست وضع بسیار خوبی داشت معلمین مسن و با تجربه در آنجا تدریس میکردند . اصول تعلیم و تربیت را خود مؤدب‌الملک درس میداد ، آموزگاران دبستانهای ده‌گانه هم‌هفته‌ای یک‌بار در دارالعلمات حاضر شده در کلاس مخصوص تعلیم و تربیت شرکت میکردند .

در پایان سال سوم دارالعلمات که در حدود کلاس نهم بود و خاتمه دوره تحصیلات دختران بشمار می‌آمد جشنی برپا شد . دو کلام الله مجید از طرف وزارت معارف به شاگرد اول سال سوم بدرالملوک و شاگرد اول سال اول حرمت سپانلو اهداء گردید . اینکار برای مدارس دخترانه موفقیت بزرگی بشمار آمد .

زنها ابر از احساسات میکردند

آقای ابراهیم خواجه، نوری در نامهٔ جوانان شرحی منتشر کردند که خردهٔ گیران کهنه‌پرست بوی طرفداری از آزادی زن از آن استشمام کردهٔ علیهٔ حجاب تعبیر نمودند.

نویسنده را مورد تعقیب قانونی قرارداده بداد گسترش خواندند. جمیعت نسوان وطنخواه تصمیم گرفت بطور اجتماع در جلسهٔ محاکمه حضور یابد. بنابراین جمعی از زنان مستور در چادر روی نیمکته‌ای دادگاه در جایگاه تماشاجی نشستند و با آرامی به دفاع آقای خواجه نوری که خود درسی آموزنده برای آنها بشمار می‌آمد گوش دادند. اینکار ابہت مخصوصی به جلسهٔ دادگاه سیاسی مربوط به زنان داد. که شاید فتح باب حضور زنها در دادگاه‌ها و مجالس رسمی علمی باشد. از خانوادهٔ خواجه نوری چند تن زنان مبارز و نیکوکار برای بهبود حال زنها و شکفته شدن استعدادهای آنها بذل همت کردند. بانو عفت الملوك خواجه نوری هنرمند گرانمایه و سرشناس سالها به خدمات اجتماعی و هنرآموزی اشتغال داشت. بانو نزهت جهانگیر در اصلاح زنان و پرورشگاه‌های دختران که بسیار وضع اسف‌آوری داشتند تحمل زحمات و نامالایمات زیاد کرد که خود داستانهای شنیدنی دارد.

بعضی آقایان گاهی به جلسات نسوان وطنخواه میرفتند، اعضای جمیعت را راهنمائی و تشویق به ادامه پیکار و پایداری در مقابل قوای مرتعج میکردند از آنجمله بودند آقایان: ابراهیم خواجه نوری، دیراعظم سعید نفیسی، دکتر شفق.

زنهایا با مسائلی روبرو بودند که برای جوانان امر ورز قابل درک نیست

در آن زمان یعنی حدود پنجاه سال پیش وسیله نقلیه در خیابانهای تهران در شگه و چند خط واگن اسبی بود. در ساختمان واگنها اطاق در بسته جهت نشستن زنهایا تهیه شده بود اما در شگه سواری مقررات مسخره آمیزی داشت از جمله زن و مرد قدغن بود که در یک در شگه بنشینند حتی اگر زن و شوهر یا پدر و دختر بودند. هرگاه زنی لازم بود با یکی از بستگان مرد خودش نزد پزشگ یا هرجای دیگر برود ناچار در دو در شگه جلوس میکردند و به دنبال یکدیگر برآمدیا افتادند که آنهم اغلب پیدا کردن دو در شگه باهم مدتی معطلی داشت حتی در صورتی که یکی از آنها بیمار و محتاج به کمک آن دیگری بود قانون استثنای نداشت.

زنهایی مبارز برای همین مسائل به روزنامه‌ها متولّ گشته باش رح ناراحتیها بجهت اوضاع میرفند؛ چه بسا در نتیجه گفتن این حقایق هدف تیر تهمت و تکفیر واقع میشدند.

دولت از در شگه چیزها التزام گرفته بود هر وقت زنی سوار در شگه میشود کروک آن را بالا بکشند. روزنامه فکاهی نسیم شمال کاریکاتوری منتشر کرد که موجب تفریح خوانندگان شد. یک مرد و زن دهاتی را ترسیم کرده بود که زن سوار الاغ است، مرد جلوی آن را گرفته

وارد شهر میشوند . پاسبان جلو آنها را گرفته اعتراض میکند که چرا
کروک خرس را بالا نکشیده است ؟



عمو ! کروک خرت را بالا بکش !

دختران مدرسه از خود دفاع میکردند

دارالعلمات تازه تأسیس شده بود، دختران با ذوق و علاقه وافر به تحصیل پرداخته بودند، هر یک اهیدها و آرزوها در سر داشتند ناگهان مطلع گردیدند یکی از مردان صاحب نفوذ و مرتباً در مجلس عزاداری بشدت از این مدرسه و بطور کلی درس خواندن دختران انتقاد کرده مردم متعصب ساده لوح را برای انگیزد که بمدارس تاخته در آنها را بینندند.

جمعی از دختران که نگارنده هم جزو آنها بود روزی هنگام مراجعت از مدرسه اتفاقاً شخص نامبرده را در خیابان خلوتی ملاقات کردند. پس از نجوا و قرارداد جلورفتہ اطراف اورا در کنار پیاده رو احاطه نمودند. یکی از دخترها او را مخاطب ساخته گفت ما زنان مجاهد راه آزادی هستیم و تشکیلات مهمی داریم. شما با این صحبتها که در حضور مردم عوام میکنید تیشه به ریشه عمر خودتان میزند، ما انتقام خودمان را خواهیم کشید. این تهدید خیلی بیش از انتظار موجب وحشت او را فراهم کرد بطور یکه زبانش بلکن افتاد، بنای التماش و تصرع را گذاشت. قول داد اگر دست از او بدارند اینگونه سخنان را تکرار نکند.

روز بعد در همان مجلس آه و ناله سر داده بود که جمع کثیری زنای هفت تیر بسته در خانه من آمده تهدید بمرگم کرده اند، ولی با این حال به قول خودش وفا نمود و دیگر از این حیث مزاحمتی فراهم نکرد، عصرها اغلب راه شاگردان مدرسه را او باش و پسرهای ولگرد سد کرده کلمات زشت یا اشعار هجومی گفتند. چند بار دخترها با کتابهای قطور که از زیر چادر بیرون میکشیدند محکم به فرق آنها کوییدند.

بیرونی .. اندرونی

موضوع مشکل دیگر طرز برخورد ساکنین یک منزل بایکدیگر بود. خانه‌های اعیان نشین دارای دو قسمت مجزا بیرونی برای آقاونو کرها اندرونی جهت خانم و کلفتها بود حال اگر زنها میخواستند فرمانی به خدمه بیرونی بدھند در حالیکه صدای آنها راهم نباید نامحرم بشنود و دستهای آنها را جایز نیست نامحرم ببینند چه باید کرد؟!

خواجههای حرم‌سرا دل میانجی را بازی میکردند و سیله ارتباط ساکنین بیرونی و اندرونی بودند. اغذب زنها و اهمه زیادی از خواجهها در دل داشتند اگر ساعایتی میکردند و گزارش نامناسبی میدادند راست یا دروغ نان آنها آجر میشد.

آقای صاحب‌خانه برای ورود به اندرونی باید چند بار سرفه کرده یا اللہ بگوید بعد سر خود را زیر انداخته وارد اتاق بشود. خانم برای گذشتن از بیرونی در حالیکه سراپا خود را در چادر پیچیده بود با وحشت واضطراب بسرعت عبور میکرد.

ولی همین زنها در همین ایام مجاز بودند که در مجالس روشه خوانی کنار مردها و یا پشت سر آنها قرار گرفته مجلس سوگواری را گرم کنند. یعنی بسر و سینه بکوبند فریاد جان‌خراش بیکشند و نوحه بخوانند. اغلب کودکان شیرخوار زیر پستان آنها قرار داشتند و این زهر جان‌گذاز را بنام شیر مخلوط با عرق و اشک مینوشیدند. بچه‌های بزرگتر در کنار آنها ساعتها با حالت محزون و گردن کج نشسته یا گریه میکردند.

پیراهن مراد

روز بیست و هفتم ماه رمضان در مساجد تهران بخصوص مسجد سپهسالار اوضاع غریبی برپا بود. توده زنهای محروم از هرگونه تفریح و دلخوشی در خارج مسجد و خیابانهای مجاور از مردها پول خرد گدائی میکردند تا پیراهن مراد برای بخت گشائی دخترها و بدو شوهر رفتن آنها یا بچه دار شدن زنهای ایاز یاری رفتند پیران و یا لامتی بیماران بدو زندگانی سوال و گدائی وسیله خنده و شوخی مردهارا فراهم میکرد به انواع وسائل سر بر زنهای جوان چادری میگذاشتند. مثلاً پولی را که میخواستند بد همند بقدری بالا میگرفتند که ناچار زنهای باید پریده از دستشان بگیرند پس از گدائی نوبت دوختن پیراهن مراد میرسید. داخل مسجد دسته دسته زنهای مشغول خیاطی بودند تا پارچه ای که با پول گدائی خریداری شده بدو زندگانی دو نماز ظهر و عصر که آنطرف تحریر برای مردها برقرار بود بپوشند.

بازار جادو جنبه طلس و دعادردن به زنهای خیلی گرم بود شیادان زیادی از این ممرار تزاق میکردند. شوهر کردن هر دختر، طرف محبت و وفاداری واقع شدن منتهای آمال زنان بود زیرا سرمایه حیاتشان شوهران بودند و ابداً اغراق نیست اگر بگوئیم زن در قدیم وجودی کاملاً متکی به مرد، خوشبختی یا بد بختی او در جلب علاقه، یا بی همی او بود و بسین این بی همی وسیله برای نگاهداری مرد خود دست میزد از آنجا که زنهای اغلب بی سواد و بی اطلاع بودند غریب موهومات و اعمال بی اساس را میخوردند. هر گاه زنی از داشتن شوهر محروم میماند در

خانه خویشان مرد خود زندگی فلاکت باری طی میکرد . اغلب یک مرد غنی یا فقیر ده پانزده زن و بچه از نزدیکان خود را نان میداد والبته بر تمام آنها حکومت میکرد .

زنashوئی و حجاب

نسل حاضر نباید از دسوم گذشته بسیار نزدیک یعنی سی چهل سال پیش که پدران و مادران آنها ازدواج نکردند به اطلاع بماند و نداند که یک جوان آرزومند چگونه جفتی را که باید تا آخر عمر اینس و جلیس او باشد ندیده و نشناخته اختیار میکرد .

پس از انجام کلیه تعهدات شرعی اخلاقی و مالی بود که دست پسر و دختری بیگانه را بعنوان زوج وزوجه دائمی در دست یکدیگر میگذاشتند . خواهر و مادر و خویشان داماد کسانی بودند که به راهنمائی دلالهای زن به خانه دختران میرفتند . ضمن پذیرائی و تعارفات زیاد دختر را بعنوان یک چیز فروشی درحالی که از شرم و حیا خیس عرق بود وارد اطاق میکردند .

خواستگاران با چند جفت چشم انگیز که با سرعت از سرتاپای او را وارسی و چند کلمه هم با دختر صحبت میکردند تا مطمئن شوند کر و لال نیست . چهار قدش را بر میداشتند تا به بینند آیا تمام سرش مو دارد . همین که از یک جلسه خواستگاری کسان داماد وارد منزل میشدند به اصطلاح امروز هر یک بنوبه و طبق نظر خود بیو گرافی دختر را برای پسر بیان میکردند .

گرفتاری مهم وقتی بود که میان آنها اختلاف سلیقه پیدا شده

کار بمشاجره و مجادله میکشید . مثلاً یکی از خانمها چشمان دختر را جذاب و سیاه میدانست در حالیکه دیگری بمیان صحبت دویشه مدعی میشد که اصلاً چشمانش هیشی ، ریز و بی حالت است . غالباً حوصله از سر جوان داوطلب دامادی بیرون میرفت با عجز و التماس تقاضا میکرد محل دیگری را میدان زد و خورد لفظی قرار داده هر وقت اختلافات بر طرف شد نتیجه مذاکرات را باو گزارش بدھند .

واقعه‌ی این عروسی که نگارنده در آنجا حضور داشت شنیدنی است : جشن زفاف دوبرادر یک شب بود . دوعروس را بخانه پدر و مادر داماد آوردنده مجلس سرو رو مهمانی زنانه در حضور هردو عروس تاپاسی از شب ادامه داشت . خواهر داماد که عروس‌هارا دیده پسند کرده میشناخت سر گرم خدا حافظی با مهمانها بود ، مادر شوهر سالخورده عجله کرد بگمان اینکه دختر بلند قامت زن پسر بزرگتر است وارد اطاق او کرد و عروس کوتاه قد را با پسر کوچکتر دست بست داد .

گرچه بزودی متوجه این اشتباه شدند و عروسها را از حجله‌ها خارج و عوض کردند ، ولی شنیده شد پسر بزرگتر از این تعویض بقدرتی ناراحت گردید که به زن خودش آن شب اعتنا نکرد برای همیشه فکرش پیش زن برادرش بود و زندگی آنها را از آغاز تا انجام این پیش آمد تباه کرد .

یکی از صحنه‌های جالب اجتماعات زنها

حمام زنانه بود

صاحبان حمام‌های عمومی بطور کلی چندزن اختیار می‌کردند زیرا علاوه بر اینکه مرد حمامی حرمخواه، مفت و مجانی برای خود ترتیب میداد؛ این زنها پیر و جوان نان خودشان را فراهم می‌کردند در عین حال کارگرانی بودند کاملاً تحت تسلط استاد حمامی، که حتی در غیبت او از ترس خبر چینی یکدیگر از کار خود اندک غفلتی نمی‌کردند و به همان نان بخور و نمیر قناعت داشتند. یکی از زنها که بیشتر طرف اعتماد استاد حمامی بود بنام (زن اوسا) حساب مشتریها و تحويل پول را بعهده داشت یک یا چندزن دیگر به دلاکی و کیسه‌کشی مشغول بودند. یکی آنگیر بود زیرا در حمام‌های خزانه با ظرف آب به مشتریها هیرساندند. پادو و نظافتچی هم لازم داشت.

فریاد و ناله و نفرین و نزاع این تیره بخان روزها در میان همه زنها و گریه کودکان و بهم خوردن ظروف مسین از قبیل سینی و مشربه مخلوط شده بگوش استاد حمامی نمیرسید و مزاحمتی برای او نداشت. فقط انعکاس اصوات ناموزون آنها اصطلاح (حمام زنانه) را برای تشبیه جاهای پر سرو صدا و جنجالی معمول کرده بود. حمام‌ها از اجتماعاتی بودند که زنها با کمال رغبت حاضر می‌شدند مدت طولانی گاهی یک روز تمام را در آنجا گذرانده مشغول گفتگو با یکدیگر و کسب و انتشار اخبار بشوند و بهتر از هر روزنامه اطلاعات دست اول را پیدا کنند. و «با

آب حمام دوست بگیرند» باین معنی که فقط با ریختن یک دش ربه آب بهشانه یکدیگر اظهار محبت و آشنائی بگتند.

زنها را بنام نمیخوانند

(بعد از ازدواج کمال افتخار زن بود به او لقبی از قبیل عروس آقا، گلین آقا، امین آقا، عزیز آقا مرحمت کنند و قدر و منزلت اورا بیفزایند. با این حال زنها را به همان نام هم نمیخوانند. اگر پسر پیدا میکرد مثل اورا نه نه حسن یا نه نه علی آقا مینامیدند.

اکنون با آشنائی مختصری که به اوضاع آن زمان پیدا کردید بپنداش کنید که شهامت و بردازی یک عده زن که تصادفاً بهوش آمده اند یشه پیشنازی در سرداشتند و میخواستند چرا غرستگاری پیش پای جامعه بگذارند پی ببرید.



مجلس روضه خوانی تنها اجتماعی بود که زنها میتوانستند حضور یافته نزدیک مردها به نشینند.



دکتر فاطمه سیاح

اولین زن ایرانی که به مقام استادی دانشگاه نائل گردید.

فاطمه سیاح دختر آقا جعفر رضازاده سیاح است. در کشور اتحاد جماهیر شوروی متولد شد و در همانجا دوره دکترای خود را پیاپیان رساند در سال ۱۳۲۱ به ایران آمد و در همانجا مبارزات زنان عضو مؤثری بشمار می‌آمد. فاطمه سیاح قبل از آمدن به ایران مدت چهار سال دانشیار رشته ادبیات در دانشگاه‌های مختلف شود روی بود. در ایران کرسی زبان و ادبیات روسی و سنجش ادبیات زبانهای خارجی باو محول گشت. در جشن میلاد فردوسی که انجمن آثار ملی برپا ساخت مقاوله مفصلی به زبان‌های فرانسه و فارسی منتشر کرد در کنگره نویسندگان که در ۱۳۲۵ در تهران تشکیل شد سخنرانی مهمی ایراد کرد به سال ۱۳۱۵ از طرف وزارت خارجه باسمت عضو هیئت نمایندگی ایران در جامعه ملل

به ژنورفت و مأموریت‌های دیگر بسمت نمایندگی شورای زنان انجام داد.
در تعدادی از جمیعیت‌های زنان عضویت داشت. تألیفات و مقالات مؤثری
بزبانهای فرانسه و فارسی منتشر نموده است. این زن دانشمند یکی از
مفاخر ایران است که در روشن کردن افکار زنان و رهبری فعالیت‌های
جمعیت‌های آنان بشدت میکوشید.

صفیه فیروز

گرایشی خاص بسوی خدمات اجتماعی پیدا کرد
در تخفیف دادن آلام همینان کوشید
نام زنان ایران را در مجامع بین‌المللی بلند کرد

هنگامیکه بیشتر زنان مرده کشور ما از وظایف ملی خود غافل بودند، این بانوی خردمند از مردم و منظوری عالی پیروی میکرد و تلاش مداوم برای خدمات اجتماعی پیش گرفت. بانو صفیه فیروز در سال ۱۲۸۷ در هنگ کنگ متولد شد. پدرش حاجی محمدحسن نمازی است. بچند زبان خارجی از جمله انگلیسی، فرانسه، چینی صحبت میکند. مسافرت زیاد به کشورهای اروپائی، آسیائی و افریقائی کرده است. زمان جنگ بین‌المللی دوم و قحطی درمانگاه زنان را شخصاً اداره و در آنجا بخدمت مشغول بود. در ۱۳۲۰ با همکاری عده‌دیگری از بانوان افسران ارتش انجمن: بانوان افسران را برای کمک و مساعدت بخانواده‌های افراد ارتش تأسیس نمودند. عضوان انجمن معاونت شهر و از نخستین زنانی است که در بنگاههای خیریه و شیروخوارشید سرخ وارد شده از خدمات مادی و معنوی دریغ نداشته است.

در سال ۱۳۰۱ برای تشکیل پیش‌آهنگی دختران کوشش کرد. موقع رکود پیشرفت‌های زنان به تشکیل جمعیتی بنام شورای زنان اقدام کرد تا مساعی مخالفین نهضت زنان را جلوگیری کند این جمعیت با دو جمیعت دیگر که یکی از آنها بعدها سازمان زنان طرفدار اعلامیه حقوق بشر نامیده شد برای این منظور همکاری نمودند. در انجمنها و کنفرانس‌های

بین‌المللی زنان حضور یافت و نام ایرانی را که در آن موقع بدروستی شناخته نشده بود معرفی کرد.

در اجتماع بین‌المللی زنان در نیویورک سال ۱۳۲۵ شمسی و در کنگره آسیائی در دهلی سال ۱۳۲۶ بنمایندگی از طرف ایران و به کمیسیون حقوق زن در بیروت سال ۱۳۲۸ و در ژنو سال ۱۳۳۱ حضور یافته است و در این مجتمع به ریاست، و نیابت‌ریاست هم انتخاب شده است غالباً به دارالتّأدب کودکان و زیدان زنان سرکشی و رسیدگی داشته بجهت مبارزه با فساد کلاس درس و هنر آموزی و حرفاًی برای زنان منحرف تأسیس کرده تا کنون عده قابن ملاحظه‌ای از آنها را از منجلاب بدبحثی بیرون کشیده است. یکی از اعضای مؤسس شورای عالی زنان ایران است. همواره در تظاهرات و اقداماتی که بمنظور تقاضاهای زنان برپا شده پیشقدمی کرده است. نمایشگاه‌های هنری برای تشویق زنان هنرمند ترتیب داده است. خدمات این بانو تــوأم با پشتکار و فعالیت خستگی ناپذیر میباشد. بانو صفیه فیروز هم اکنون ریاست شورای زنان را عهدهدار است.



د کتر مهرانگیز دولتشاهی مؤسس جمیعت راه نو
گامهای بلند بخاطر متشکل کردن زنها و آشنا ساختن آنها بحقوق
قانونی خود و قبول مسئولیت برداشته است

تحصیلات دانشگاهی را در آلمان بانجام رسانده فعالیتهای اجتماعی را از سال ۱۳۲۵ در سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و انجمن حمایت زندانیان شروع کرده است به مناسبت شغلی که در بنگاه عمران کشود داشت با طرز زندگی روستاییان آشنا شد در ۱۳۳۴ جمیعت راه نو را تأسیس کرد. مهمترین فعالیت این جمیعت طرح قانون حمایت خانواده است. در سال ۱۳۳۵ و ایجاد کانون خدمات جمیعت در جنوب تهران، به منظور بالابردن سطح زندگی و معلومات زنها همچنین کلاسهای مبارزه با بیسوادی و آموزش خانه داری و بچه داری، تنظیم نمایشگاه بین المللی فعالیت زن را باش کت ۳۰ کشور آسیائی و اروپائی ترتیب داد که بسیار جالب و آموزنده بود، همکاری مداوم با سازمانهای دیگر زنان و شرکت در تظاهرات آنها داشته است.

این بانوی فعال مسافر تراوی زیاد به کشورهای خارجی کرده در شورای بین المللی زنان بنمایندگی شورای عالی زنان و به نیابت از طرف والا حضرت اشرف پهلوی حضور یافتند؛ از ۱۳۳۵ با سازمانهای زنان در کشورهای مختلف و در مجامع بین المللی از قبیل کمیسیون مقام زن، کنفرانس کار، سمینارهای مختلف همکاری و از تجربیات آنها استفاده شایان توجه کرده است. شرکت مؤثر در شورای بین المللی زنان نموده مقامات مختلف تا نیابت ریاست شورای مذکور را داشته است.

عضو مؤسس حزب ایران نوین و عضو هیئت اجرائی شورای مرکزی آن حزب و مؤسس شعبه حزب در کرمانشاه است.

شمس‌الملوک جواهر کلام

نخستین زنی است که بدون حجاب در کشورهای خارجی
برای فرزندان ایرانی زبان مادری تدریس کرد

وقتی برای ایرانیان مقیم قفقاز در سال ۱۳۰۷ دولت ایران
قصه‌د فرستادن مـ.دیر و معلم برای تدریس زبان مادری و تاریخ و
جغرافیا کرد شمس‌الملوک که زنی روشنفکر و دانش پرور و از کار -
مندان وزارت فرهنگ بود داوطلب انجام این خدمت شده به قفقاز رفت
سه سال در مدرسه مختلط قفقاز بدون حجاب به تعلیم و تدریس و سخنرانی
در مجامع فرهنگی اتحاد جماهیر شوروی اشتغال داشت. از آنجا جهت
همین منظور یعنی تدریس برای ایرانیان مقیم کشود ترکیه رهسپار
استانبول گردید. شمس‌الملوک جواهر کلام نخستین زنی است که بدون
حجاب در ممالک خارجی برای فرزندان ایرانی تدریس کرده است. عضو
هیئت مدیره کانون بانوان، یکی از اعضای فعال سازمان زنان طرفدار
اعلامیه حقوق بشر میباشد.

این بانو کتابی بنام زن در اسلام و ایران تألیف کرده است.





مدرسه اتفاق ایرانیان به امر اعلیٰ حضرت رضا شاه کبیر در تفلیس گشوده شد در این عکس طرف چپ نفر اول نشسته آقای علی جواهر کلام نفر چهارم شمس الملوك جواهر کلام در میان سایر اعضای مدرسه دیده میشوند .



عصمت الملوك دولتدار

وجود پر ارزشی است که
بطور مداوم بخدمات اجتماعی
مشغول است .

چون در آن زمان (سال ۱۳۰۷) طی مدارج عالی تحصیلی در ایران مقدور نبود بهارو پارفت. پس از اتمام رشته تحصیلی در دانشگاه بروکسل بایران برگشت و در دارالعلمات به تدریس پرداخت پس از چندی کودکستان شکوفه که اولین کودکستان دولتی در ایران بود گشوده شد اداره آن را به خانم دولتادسپر دند که با روشن نوین بهاداره آن پرداخت. از آن پس مدتها مدیر دایره کودکستانها شده در راهنمائی مر بیان پژوهش و آموزش کودکان خدمات پر ارزشی کرد. عضو هیئت مدیره شورای زنان، انجمن معاونت شهر و کانون بانوان بود از اعضای مؤسس شورای عالی جمیعتهای زنان (که تبدیل به سازمان زنان ایران شد) میباشد یکی از افراد مؤثر سازمان زنان طرفدار اعلامیه حقوق بشر است که چندی هم ریاست آنرا عهده دار بوده است . همواره بوسیله سخنرانیها و نگارش مقالات درهای افکار زنان و تحقیق بخشیدن به هدفهای اعلامیه جهانی حقوق بشر کوشابوده و هست .



دکتر قدسیه حجازی

معتقد است که اجرای قوانین
اسلام بهترین وثیقه زندگی و
تضمین حقوق زنان است.

قدسیه حجازی دختر حاج سید مصطفی موسوی حجازی از علمای معاصر تهران بزهد و تقوی ممتاز است مادرش دختر حاج سید موسی خلیلی از علمای عصر میباشد. با اینکه برای تحصیل علوم ادبی و عربی امکانات زیاد داشت در مورد کسب علوم جدید با مشکلات زیاد مواجه شد که مهمتر از همه عدم موافقت خانواده او بود ولی با کوشش و همت خاصی بر موانع و مشکلات فائق آمد. پس از اخذ لیسانس از دانشگاه تهران در دانشگاد پاریس به درجه دکترای حقوق رسید. دکتر قدسیه حجازی رساله پایان تحصیل را که ارزش زن است و تأثیفات دیگر از قبیل بررسی جرائم زن، ازدواج در دین مبین اسلام چاپ و منتشر کرده است با احاطه به زبانهای عربی و فرانسه تأثیفاتش حائز اهمیت فراوان میباشد و مدلل میدارد که زن در اسلام چه مقام بلندی دارد و برای کسانیکه از احکام این دین مبین بی خبر ند مورد استفاده کلی میباشد.



بدرالملوک بامداد

هرچه خواست، هرچه کرد،
بدنبال هر منظوری که رفت
انگیزه او و عشق شور انگیزی
بود بمهن و نیازش دیدی که به
آزادی زنان احساس میکرد.

پدرش حاجی آقا خان تکینی مجاهد راه مشروطیت ایران نهال آزادیخواهی را در نهادش نشاند اوضاع ناگوار زمان، فشارهای روحی، محرومیتها، تحقیرهای علمی که به زنان روا میداشتند آنرا آبیاری کرد. تحصیلات ابتدائی وزبان فرانسه را نزد معلم سرخانه آموخت. بسال ۱۲۹۶ با نخستین دسته دختران وارد دارالعلمات شد از چهارده سالگی در مجلات ایرانشهر و فرنگستان که خارج ایران بچاپ میرسید و در روزنامه گل زرد و بعضی سبراید آزادیخواه پایه تخت قسمتهای جالبی که دلیل بر سوز و گداز باطنی او بود مینوشت. سخنرانیها و گفته‌هایش در مجامع بانوان و کلاس‌های درس چون از دل بر میخواست لاجرم در دلها می‌نشست. بسال ۱۳۰۴ شمسی وزارت معارف برنامه خانه‌داری برای دبیرستانهای دختران از زبان فرانسه ترجمه کرد. اما نه کتاب داشت نه معلم. بدرالملوک تدریس آنرا در دارالعلمات پذیرفت. با مطالعه احتیاجات خانواده‌های ایرانی و اقتباس بعضی دستورهای علمی و عملی خارجی کتاب تدبیرمنزل را تهیه کرد. ولی چاپ آن دچار اشکال شد زیرا نوشته‌های زن چادری نزد اولیاء معارف وقت حتی ارزش یک نظر دیدن

هم نداشت . نویسنده مأیوس نشد ناچار دست توسل به دامان شهریار فرهنگ دوست که هنوز سر-ارسپه بود زد . درخواست او فوری مورد قبول واقع شد و دستور چاپ آن را به مطبعه قشون امر فرمودند . انتشار ناگهانی اولین کتاب تدبیر منزل شگفتی و تحسین مردوzen را برآذگیخت . در تمام مدارس متوسطه دخترانه کشور جزو کتابهای درسی قرار گرفت به پاداش این خدمت آقای دکتر صدیق کهرئیس تعلیمات متوسطه بودند نشان فرهنگی و پنج تومان اضافه حقوق برای او پیشنهاد کردند ولی پیش از آنکه حکم رسمی صادر شود چون کارها خیلی به کندی انجام میگرفت تغییر مقام ایشان هر دو پیشنهاد را در سبد باطله و داغش را در دل بدرالملوک انداخت . به تلافی آن بقدرتی نامه های تشکر و تقدیر از طرف دانش پژوهان و خانواده ها از هر طبقه دریافت کرد که غرق در شادی و افتخار گردید و به تألیفات دیگر پرداخت که هر کدام در نوع خود برای زنها سودمند بود . اخلاق و آداب معاشرت را مرحوم لاهیجی ناظر شرعیات و آقای بدیع الزمان فروزانفر بر آنها تقریظ نوشتهند . روانشناسی تربیتی سالها از کتابهای درسی دانشسراهای بود در کتاب هدف پژوهش زن تعلیم و تربیت دختران را مورد بررسی قرارداد . هنر طباخی و شناختن مواد خوراکی ، تعلیم و تربیت دمکراتی در ایران از نوشهای او است .

عضو مؤسس کانون بانوان و جزو اولین شاگردانی است که وارد دانشسرای عالی شد . پس از جنگ بین المللی دوم از ریاست دانشسرای دختران دست کشید و روانه آمریکا شد تا راه حل مشکلات تربیتی که ضمن عمل به آنها برخورده بود بیابد از دانشگاه کلمبیا به درجه فوق

لیسانس نائل گردید . تنها ذنی بود که بعضویت کمیسیون اصلی تهیه کفتارهای رادیو ایران در آغاز تأسیس انتخاب شد مدتها مشاور رادیو ایران برای راهنمائی خانواده‌ها بود . سازمان زنان طرفدار اعلامیه حقوق بشر را باهمکاری جمعی از زنان دانشمند فرهنگی تشکیل داد . این سازمان سال‌ها است برای آشنا کردن زنها بمنفاذ اعلامیه حقوق بشر میکوشد . روزنامه زن امروز را در سال ۱۳۲۳ و سال ۱۳۲۹ شمسی منتشر کرد که از جراید مبارز روز بشمار می‌رود . مسافر تهای بسیاری، بکشود - های از پیائی و آسیائی برای افزودن بصیرت در مسائل اجتماعی و تربیتی کرده است ^۱ با گشودن دبستان نمونه بامداد به سال ۱۳۳۰ با برنامه تازه و بطور مختلف گرچه دچار مزاحمت‌های زیاد گردید ولی راه بکار بستن روش نوین تعلیم و تربیت را در دبستانهای ملی هموار نمود به سال ۱۳۴۱ به کنگره بین‌المللی زنان در سوئیڈ دعوت شد که منظور چاره جوئی برای مبارزه مؤثر با بی‌سوادی بود در آنجا راجع به انقلاب سپید و ابتکار سپاه‌دانش و اثرات مطلوب آن سخن راند و مطالبی درباره مشکل اختلافات محیط زندگی، کودکان و تعلیم و تربیت آنها بیان کرد که در رادیو و روزنامه‌ها منعکس گردید ^۲ .

سال‌ها رئیس کمیسیون حقوقی شورای عالی زنان بوده در تنظیم قانون حمایت خانواده کوشیده است خود او می‌گوید «عشق من بخدمات اجتماعی با شیر اندرون شد و با جان بدر رود » ^۳ .

بقلم شمس‌الملوک جواهر کلام

پنجمین بند

سلطنت اعای حضرت رضا شاه کبیر روحی تازه در کالبد ایرانیان مخصوصاً زنها دمید

همینکه سر سلسله خاندان پهلوی توانست بر اوضاع مسلط شود فتنه‌های محلی را بخواباند، و اشخاص ماجراجورا سرجای خود بنشاند. بر نامه اصلاحات عمیقی را آغاز کرد. اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بسرعت رو به بهبودی برد. برای محکم کردن ارکان ایران نوین نعملیمات عمومی را بسط داد و بفکر شریک فراموش شده مرد، عامل اصلی تربیت نسل ایرانی، کسیکه بادرایت و هوشمندی میتواند کمکهای پر ارزشی به راه انداختن چرخهای زنگ زده اجتماع بکند قدرت طلبی مرد و صفات خشن اورا تعديل نماید افتاد. اولین سنگ بنای آزادی و حقوق زنها کشور خود را گذاشت.

کانون بانوان تشکیل شد

در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴ به اشاره اعلیٰ حضرت رضا شاه کبیر و با دعوت وزیر معارف وقت آقای علی اصغر حکمت‌عده‌ای از زنان فرهنگی انتخاب و به محل دارالعلمات در کوچه ظهیرالاسلام خیابان شاه آباد دعوت شدند. به آنها گفته شد که مأموریت دارند تا جمیعتی تشکیل بدهند و اساسنامه آنرا بنظر وزیر معارف بررسانند با حمایت دولت پیشقدم نهضت آزادی زنان ایران باشند. این جمیعت در جلسات بعد نام کانون بانوان را برای خود اختیار کرد و اساسنامه آنرا بشرح زیر نوشت :

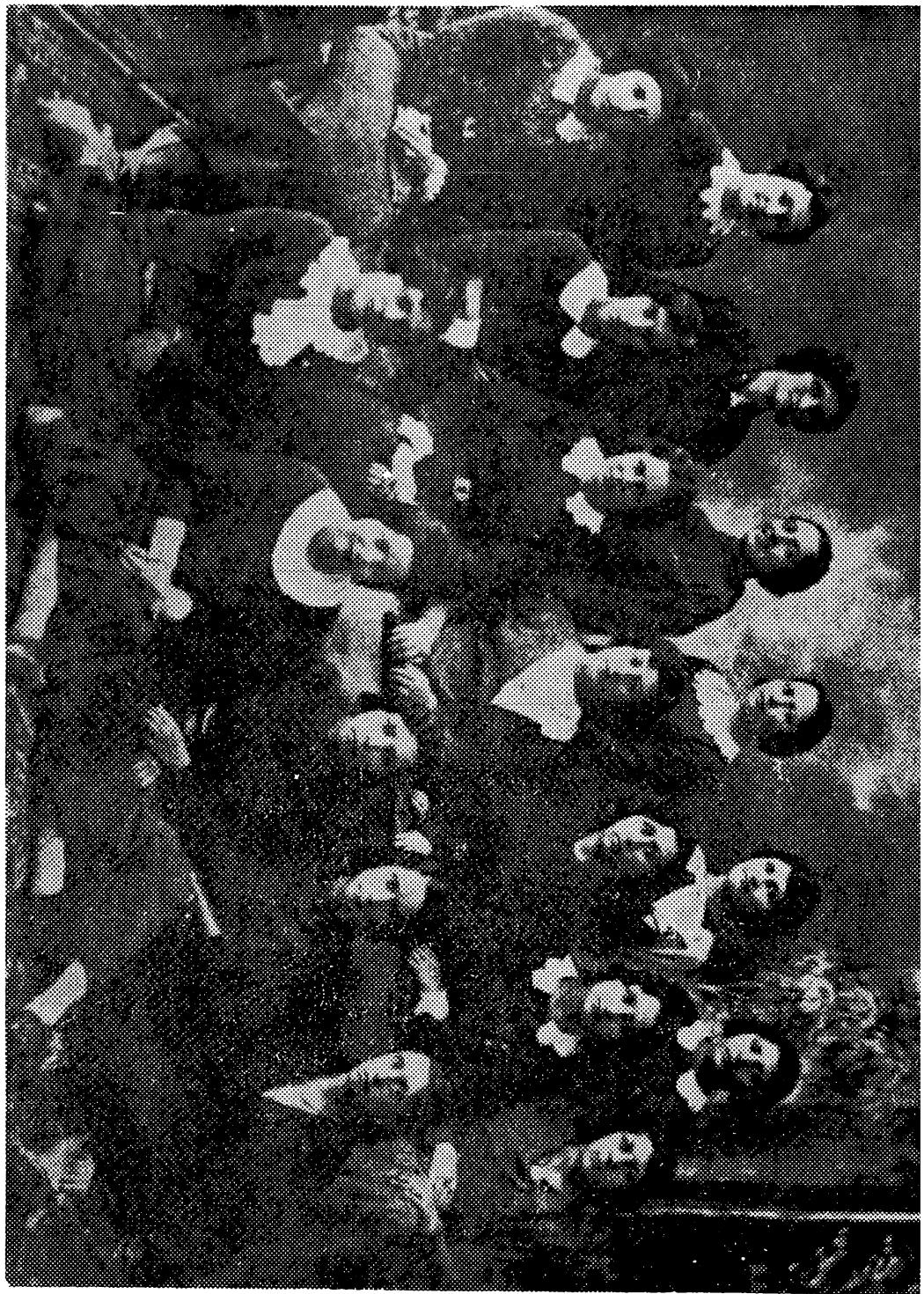
اساسنامه کانون بانوان

کانون بانوان ایران بریاست عالیه والا حضرت شاهدخت شمس پهلوی و معاضدت و مراقبت وزارت معارف برای اجرای مقاصد زیر تأسیس می‌شود :

- ۱-- تربیت فکری و اخلاقی بانوان و تعلیم خانه‌داری و پرورش طفل مطابق قواعد علمی بوسیله خطابه‌ها، نشریات، کلاس‌های اکابر و غیره.
- ۲-- تشویق بورژوهای متناسب برای تربیت جسمانی بارعايت اصول صحی .
- ۳-- ایجاد مؤسسات خیریه برای امداد بمادران بی بضاعت و اطفال بی سرپرست .

شام بانو فخر. و دیف سوم: هنر افخم افخمی. صدیقه ریاضی. مهر انور سعیدی. شصتمالموک دولداد. شمس الملوک جواهر کلام. بانوی که
از راست پیچیپ ردیف اول: فضرت تسلیمی. بدرالملوک بامداد. یبول شیوه‌ایی. اشرف نبیوی. مهر بانو سپاهی. اختر کامبیختی.
ردیف دوم: یبول همایون استشامی. فخر ایران غفاری. افسر الملوک آریائی. هاجر تریست. تاج الملوک حکمت. فخر عظمی ارغون.

اعضای هیئت مدیره کانون بانوان



- ۴- ترغیب بسادگی در زندگی و استعمال امتعه و طنی .
- ۵- این کانون بر طبق ماده (۵۸۷) قانون تجارت شخصیت حقوقی دارد و رئیس آن نماینده کانون خواهد بود .

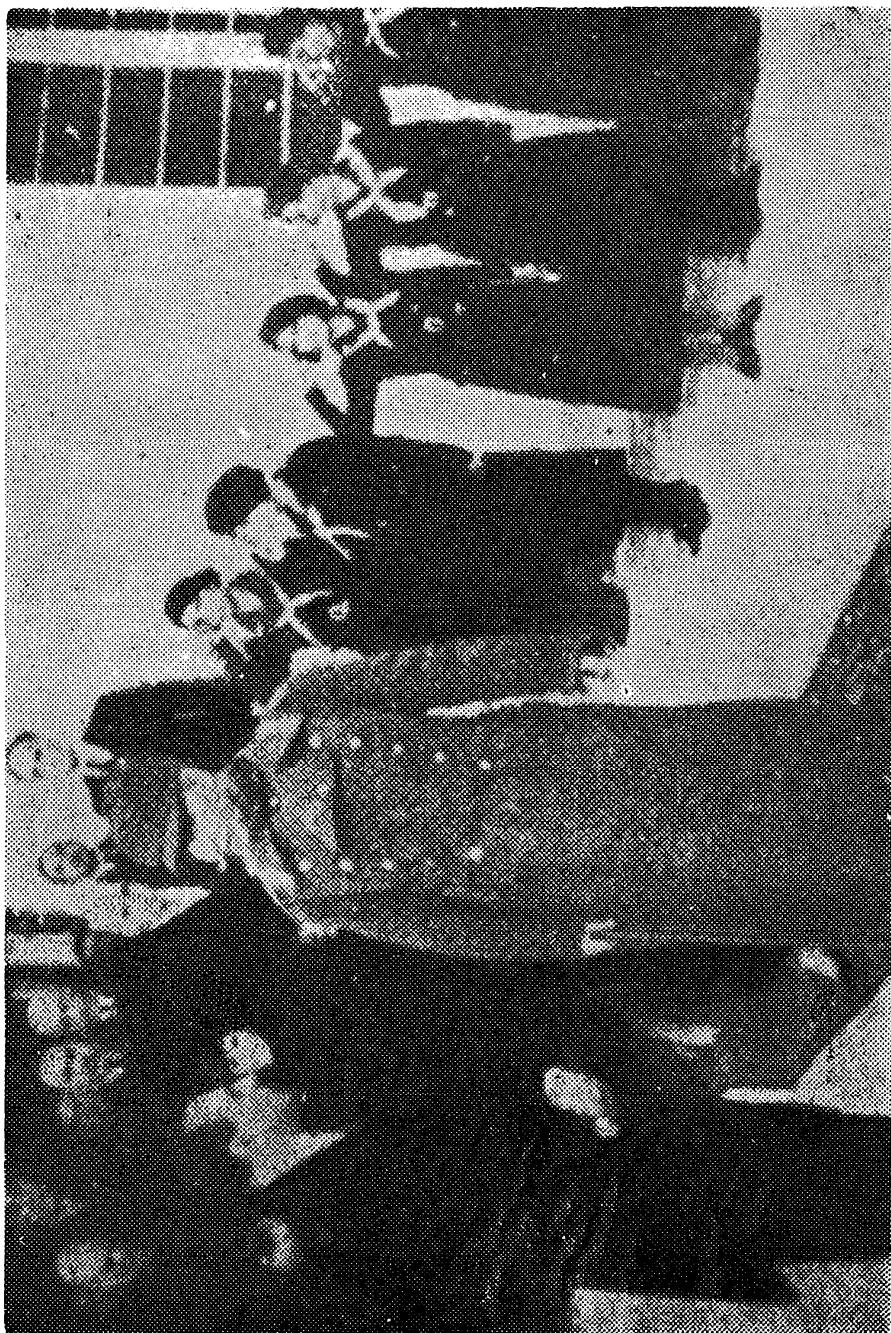
خانم هاجر تربیت بریاست انتخاب شد و فعالیت کانون مطابق اساسنامه با ترتیب دادن مجالس سخنرانی، نمایش، باشگاه ورزشی، کلاس‌های اکابر شروع گردید. «بانو تربیت همواره به خدمات اجتماعی ادامه داده و از زنان ارجمند و نامی ایران است» .

ضمن سایر اقدامات منظور اصلی یعنی ترک چادر سیاه متدرجاً پیشرفت می‌کرد با این طریق که زنان عضو جمعیت باز انجمنی کردن خانواده‌های خود یکی به یکی به برداشتن چادر مبادرت مینمودند و در مجالس سخنرانی سایر بانوان را تشویق به ترک کفن سیاه می‌کردند طوز یکه در هر نوبت از مجالس و اجتماعات کانون عده تازه‌ای از بانوان بدون چادر حضور می‌یافتد در صورتی که زنان فرهنگی در صن مقصد آنها بودند لازم است گفته شود که در آن زمان باشیو ع تعصبات شدید و جاهلانه خارج شدن از منزل بدون حجاب مستلزم فداکاری بود. البته پلیس دستور مجرمانه دریافت کرده بود که از زنهای بی‌چادر حمایت کند ولی باز هم دور از نظر پلیس در کوچه‌های خلوت زنهای بی‌چادر غالباً در معرض اهانت لفظی یا حمله با چوب و سنگ واقع می‌شدند و دچار مخاطره می‌گردیدند حتی زنهای عوام که ترک حجاب را برای آنها بزرگترین بی‌ناموسی و بی‌آبروئی معرفی کرده بودند از دادن نسبتهای زشت و بد حرفي به زنان پیشتاب آزادی کوتاهی نداشتند کار بجائی رسید که زنان پیشقدم برداشتن حجاب هرگاه در محالات پائین شهر سکونت داشتند ناچار می‌شدند

از خانه با چادر خارج شده در گوشۀ خلوتی از کوچه‌ها و خیابانهای بالای شهر چادر را برداشته در کیف دستی پنهان کنند. هنگام مراجعت دوباره نزدیک خانه چادر بسر کنند.

جلسات کانون بانوان اغلب در حضور والاحضرت‌ها شاهدخت شمس پهلوی و شاهدخت اشرف پهلوی تشکیل میشد علاوه بر زنان شخصیت‌های مملکتی سخنرانی میکردند.

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی هنگام ورود به سالن جشن حفده دی



فرمان بزرگ

روز هفدهم دیماه همان سال یعنی هشت ماه پس از تشکیل کانون
بانوان جشن بزرگ فرهنگی در پیشگاه اعلیحضرت رضا شاه کبیر برگزار
میشد. عمارت دانشسرای پسران در خیابان روزولت (دانشسرای عالی فعلی)
شاهد این روز بزرگ تاریخی بود. با مر صریح اعلیحضرت مقرر گردید
تمام معلمات پایتخت بدون حجاب حضور یا بند. از خانواده سلطنتی علیا
حضرت ملکه پهلوی و الا حضرت ها پیشقدم این نهضت بدون که بدون
حجاب وارد سالن شدند. بانوان وزرا و سرلشکرها بدون چادر وارد میشدند
در حالیکه مورد تجلیل فرهنگیان واقع میگردیدند و در جایگاه خود
قرار میگرفتند، بعضی از این بانوان مسن بقدرتی از گشودن صوت
خود ناراحت شدند که تمام مدت تقریباً به دیوار ایستاده عرق خجلت
میریختند. اعلیحضرت رضا شاه پهلوی با وزیران و امراء لشکر به سالن
تشریف فرمایشند. نطق تاریخی خود را با کلمات «مادران من! خواهران
من» ایراد کردند که آنرا همگی در لوح سینه‌های خویش محفوظ
داریم.

قسمت آخر نطق چنین است «من میل بظهور ندارم و نمیخواهم
از اقداماتیکه شده است اظهار خوشوقتی کنم. نمیخواهم فرق بین ایران
امروز باروزهای دیگر بگذارم ولی شما خانمها این روز را دروز
بزرگ بدانید و از فرصت‌هاییکه دارید برای ترقی کشور استفاده کنید.
الا آخر...»

بعد از برگذاری این روز حرکت کردن ذنهای با چادر در

علیا حضرت ملکه پهلوی
پیشگام نهضت زنان ایران در
ترک چادر و فروریختن حصار
تبعیضات زن و مرد بودند .

والاحضرت شاهدخت
والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ریاست
عالیه کانون بانوان و پیش آهنگی دختران را
داشتند همواره اوقات خود را مصروف امور
زیارتی و شیرین و خورشید سرخ هیغرهایند .

والاحضرت شاهدخت
اشraf پهلوی ریاست عالیه و
رمهبری سازمان زنان ایران
دان بعده دارند .



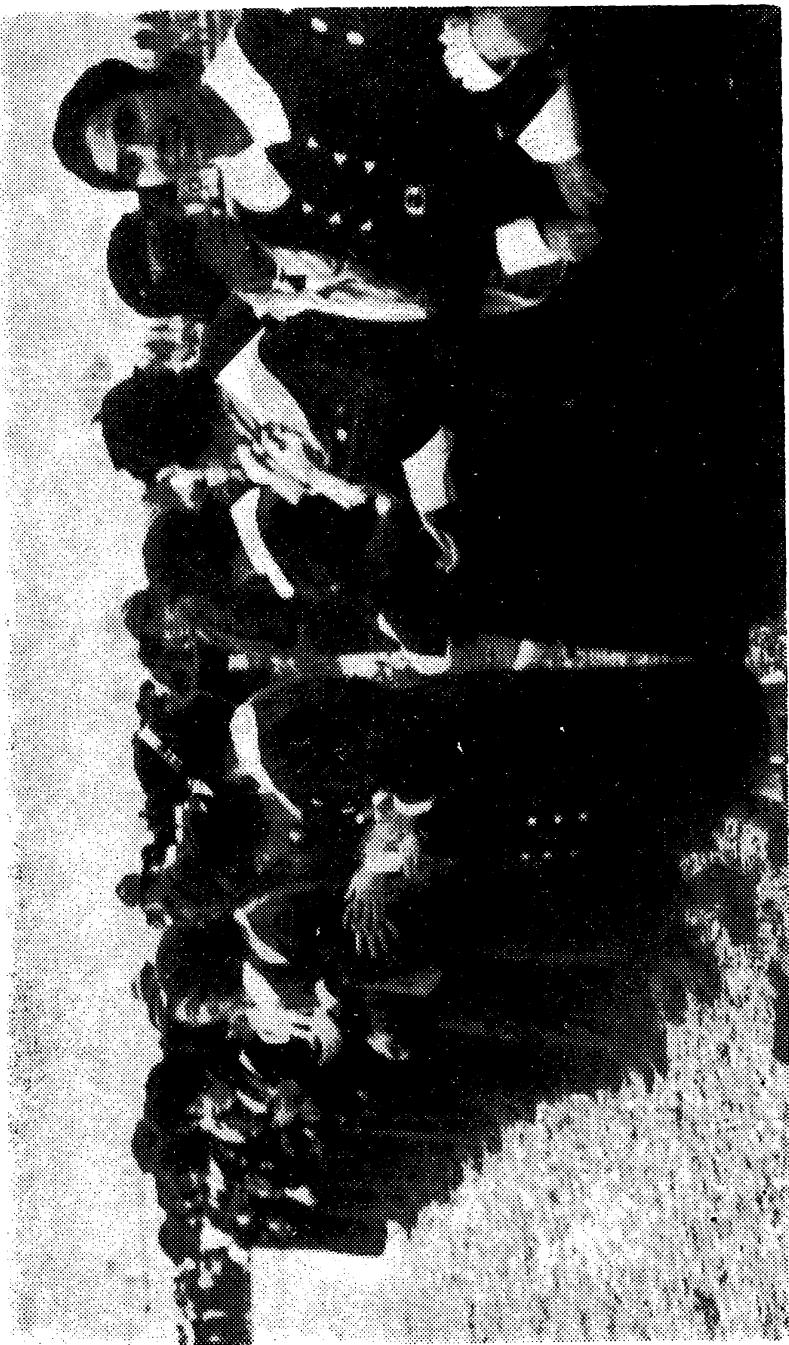
خیابانهای تهران و شهرستانها قدغن شد. پلیس آنها را به داخل کوچه‌ها هدایت می‌کرد. اینکار برای حکومت ایران خالی از اشکال نبود طوریکه در شهر مشهد تحریکاتی بعمل آمد و متهی به زد و خورد شد. ولی اراده قمی و تزلزل ناپذیر ناجی ایران بر آنها فائق گشت.

از آن پس در شهرستانها از طرف استانداران و رؤسای ادارات مهمنانی داده و جشن‌های باشکوه گرفته اعضای ادارات دولتی مجبور بودند به مراد همسران خود بدون حجاب حاضر شوند. چه بسا دوستان قدیم که تازه بازنان یکدیگر آشنا می‌شدند یا خویشان و نزدیکان که زن یا دختر خانواده را برای اولین بار ملاقات می‌کردند بواسیله همین مجالس سرد و ناراحت‌کننده یک امر مهم حیاتی کشور در شرف انجام شدن بود. در این روزها کارخیاطها و سلمانیها رونق کامل داشت، مغازه‌های کلاه‌دوزی زنانه در خیابان‌های بزرگ تهران و شهرستانها دیده می‌شد.

شاگرد اول سال تحصیلی ۱۳۱۴

پس از اتمام مجلس جشن هفده دی زنان فرهنگی و عکاسان بسرعت بطيغ باعیچه دانشسرای رفتند تادر مسیر قرار بگیرند. اعلیحضرت که بسیار شاد و خندان بودند هنیر اصفیا شاگرد اول متوسطه دختران را مورد مرحمت قرار دادند و برای اینکه افتخار تاریخی به این دختر ببخشند دستور فرمودند عکسی با او بگیرند. یکی از عکاسان را بعجله بحضور آوردند و عکس گرفت. متأسفانه معلوم شد عکس شیشه نداشته و شرم حضور مانع از ابراز آن شده است.

معلمان با لباس متحداً الشکل سورمه‌ای رنگ و یقه سفید در باعچه داشتند از جشن هنده دی رضا شاه کبیر هنگام مراجعت از حضور اعلیٰ حضرت



خشت اول آموزش عالی دختران

در یک روز مبارکی با کمال مسارت وزیر معارف در کانون بانوان به اطلاع همگی رسانید که اعلیحضرت اجازه فرموده‌اند دختران نه تمام دانشکده‌ها طبق مقررات نامنوبیسی کرده در معیت پسرها به تحصیل مشغول شونند. حتی برای معلمات تمهیلات بیشتری فراهم می‌شود تا از ساعات درس دانشکده‌ها استفاده نمایند. این مژده بزرگ برای زنان که آرزومند کسب دانش و کمال بودند و خانواده‌ها که میل داشتند دخترانشان مدارج عالی تحصیلی را طی کنند، مایه کمال شادمانی بود.

اما تا مدتی آن جرئت وجسارت را در خود نمیدیدند که دختران را بمحیطی بفرستند که در آنجا آزادانه با پسرها معاشرت داشته باشند. همگی منتظر بودند دیگران در اینکار سبقت بجویند تا اگر و بالی دارد گردن آنها را بگیرد.

بنابراین اولین دسته دخترانی که وارد دانشسرای عالی و دانشکده‌های علوم و ادبیات شدند فقط دوازده نفر بودند. که همگی آنها از زنان دانشمند و فعال و خدمتگذاران سرشناس اجتماع بشمار می‌روند. نه تنها دخترهای دانشجو که تعدادشان انگشت شمار بود در محیط ناماؤس دانشکده‌ها بسختی بسرمیبرند، غالباً در یک گروشه و کنار دور ۵-م جمع می‌شدند و دور از انتظار می‌ایستادند پسرها از این تغییر وضعیت بیشتر ناراحت بنظر میرسیدند. زیرا اگر دخترها به میل خود و با پیش‌بینی قبلی آماده ورود به آنجا شده بودند، پسرها بکای غافل‌گیر



- ۱- ردیف اول دست راست خانم شاهزاده کاووسی به تحصیل ادامه نداد
 ۲- دکتر شمس‌الملوک مصاحب (سناتور)
 ۳- بدرالملوک بامداد در خدمت آموزش و پرورش
 ۴- سراج النساء (از هندوستان)
 ۵- دکتر مهرانگیز منوچهریان (سناتور)
 ۶- زهرا اسکندری
 ۷- بتول سمیعی
 ردیف دوم از راست به چپ :
 ۸- طوسی حائری
 ۹- شایسته صادق
 ۱۰- تاج‌الملوک نخعی
 ۱۱- دکتر فروغ کیا
 ۱۲- دکتر زهرا کیا (خانلری) استاد دانشگاه
 چنانکه ملاحظه می‌شود گروه اول زنانی که وارد دانشگاه شدند در نتیجه فراهم شدن وسیله تحصیلات عالیه نبوغ فطری خود را نشان داده جمله‌گی بمقامهای مهم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نائل شدند.

گشته برای اکثر آنها معاشرت با دخترها امری بکلی غیرمنتظره بود. طوری که از سخن گفتن یا پاسخ دادن به دخترها گریزان بودند. هنگام اجبار تا بنا گوش سرخ و دچار لکنت زبان میشدند در کلاسها درس هر کجا دختری روی نیمکت قرار می گرفت اطرافش خالی میماند.

بعضی استادان مسن هم دست کمی از دانشجویان نداشتند از خطاب به دخترها و نظر انداختن بر روی آنها احتراز میجستند. یکی از دخترها (البته یک سال بعد از ورود به دانشکده) به استاد خودش که هنگام پاسخ گفتن به پرسش او چشمها را بسته بود گفت: جناب استاد مگر شما به چشممان خودتان اطمینان ندارید؟! استاد با تعجب پرسید منظورتان چیست؟ گفت: چون بروی دخترها نظر نمیکنید. حتی رئیس کتابخانه هم که از مجاورت دخترها و پسرها بی اندازه ناراحت شده بود برسم بیرونی اندرونی گوش پناهی را برای نشستن دخترها معین کرد که اینکار مورد اعتراض آقای دکتر عیسی صدیق که رئیس دانشسرای عالی و دانشکده های علوم و ادبیات بودند واقع شده گفتهند اگر تصور میکنید دولت از عهده گشودن دانشکده مخصوص برای دخترها بر نیامده و از راه اجبار به اینجا فرستاده است اشتباه میکنید اینها آمده اند تا دختر و پسر رسم معاشرت و زندگی بایکدیگر را بیاموزند. به همکاریهای اجتماعی، خوبگیرند. به افکار و عاداتی که پیکر اجتماع ما را به دونیم ساخته خاتمه بدهند.

این کارشناس تعلیم و تربیت با وجود ناجوریهای محیط، دسیسه ها و کارشکنیها که شرح مفصل لازم دارد بزودی توانست محیط مساعده

بوجود بیاورد که خانواده‌ها با اطمینان خاطر دختران خود را جهت کسب معلومات به آنجا روانه کنند و مساعی مغرضین را بی‌اثر بگذارد.

بی‌مورد نیست برای مثال یکی از غرض‌دانیهای علنی که بهخالفت با اقدامات آقای دکتر صدیق درجهت تشویق دخترها و پسرها به‌همکاری و شرکت در امور اجتماعی شد شرح بدهد: سال دوم یا سوم ورود دخترها به دانشکده‌ها بود نزدیک جشن نوروز انجمنی از دانشجویان پسر و دختر تشکیل دادند تا با همکاری یکدیگر مراسم باشکوهی جهت چهارشنبه سوری ترتیب بدهند. انجمن با شوق و شعف از مدتی پیش به تهیه مقدمات پرداخت. یکی از قسمت‌های برنامه این بود که در وسط محوطه



دونفر نشسته آقایان دکتر عیسی صدیق رئیس دانشسرای عالی و سایر دانشکده‌ها و پروفسور های استاد فلسفه

زنهای : دکتر مهرانگیز منوچهريان . بدرالملوک بامداد

وسيعى آتش بیفروزنده، اطراف آن را دختران دانشجو که عده آنها زیاد شده بود دایره‌ای تشکیل بدھند. پشت سر آنها پسرها قرار بگیرند و سرود نوروزی بخوانند.

عده‌ای از دانشجویان که گویا محرکی در خارج از دانشکده داشتند تو طئه چیدند که بلا فاصله پشت دخترها ایستاده دستهای را بهم گره کنند و همگی بسوی آتش فشار آورده دخترها را به آن نزدیک کرده بسوزانند این تو طئه بوسیله خود دانشجویان هنگام اجرای سوئقسد کشف شد و بموقع از آن عمل ناشایسته جلو گیری کردند ولی جنجال و بی‌نظمی مجلس جشن و سرور را مختل کرده نگذاشت طوریکه پیش‌بینی شده بود به آرامی و نظم بر گذار شود.

دوران رکود پیش فتهای زن ایرانی و ترقی

سریع و درخشانی که در پی داشت

تغییرات و تحولاتی که زمان سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر در میهن ما روی میداد آرزوهای میهن پرستان و آزادیخواهان را برآورده میساخت؛ نوید آینده درخشانی را میداد. زنها در بستانها، دبیرستانها و دانشکده‌ها با شوق فراوان بگسب معلومات میپرداختند. بتدریج در ادارات دولتی و مشاغل آزاد و امور آموزشی راهی برای کار کردن باز میکردند. وضع اقتصادی خود را بهبودی میبخشیدند پیش از این تنهای وسیله ارتزاق آنها شوهران بودند که هر گاه از این یگانه هدف زندگی و معيشت محروم میمانندند، همچنانکه بسیار اتفاق میافتد جز سربار کسان نزدیک و دورشدن تحمل خفت وزاری کردن، خودوکودکانشان در گرداد رنج نداری فرورفتن چاره نداشتند. بسازنها جوان که از لاعلاجی بدامان فحشاء پناه میبردند. پسچه جای شگفتی اگر زنها شکوفاترین ایام زندگی را پیش چشم‌ان خود میدیدند و از آن لذت میبردند.

ناگهان جنگ جهانی دوم اوضاع آرام کشور مارا مشوش کرد. پشتیبان بزرگ نهضت آزادی و سعادتمندی زن ناچار بترك میهن عزیز خود شد. (سال ۱۳۲۰) عناصر ارتجاع وقت غنیمت شمرده از هر طرف دوباره به جنب و جوش آمدند. با تمام قوای خود کوشیدند تا قلم بطلان به موققیتهای این مدت بکشند. در بعضی شهرستانها آسانتر توanstند زنها را بسوی زندان چادر وروبند برانند. مدارس دختران را به انواع حیله‌ها

محکوم به تعطیل بگنند. خوب میدانستند ذلیل کردن مادران و فلنج گذاشتن نیمی از پیکر ایرانیان مؤثر ترین وسیله تضعیف کشور و برآوردن مقاصد خائنانه میباشد. گرچه دستان پر قدرت اعلیحضرت رضا شاه کبیر نبود که آنها را سر کوبی کند و بجای خود بنشاند؛ اما زنها که از پرتو وجود اوطعم آزادی چشیده، دانشگاه دیده، مشغول کسب معاش از راههای شرافتمدانه بودند، حیثیت و منزلتی بدست آورده سنگریرا گرفته بودند، به آسانی آنها را پس نمیدادند. چاره‌ای نبود غیر از اینکه مبارزه کنند. زنها روش نفکر گردهم جمع شدند دوشه جماعت تشکیل دادند «حزب زنان» که بعد شورای زنان نامیده شد و جماعت زنان که آنهم تبدیل به طرفدار اعلامیه حقوق بشر گردید «روزنامه و مجله منتشر کردند، مقالات پرحرارتی در روزنامه‌های طرفدار خود از جمله روزنامه (ایران ما) نوشتند. حتی با سرکردگان ارتجاع ملاقات می‌کردند، با دلیل و بر هان میخواستند آنها را محب و از منظورشان منصرف سازند؛ یا از عواقب این اقدامات هراسناکشان سازند. هر چند آنها بیدی نبودند که از این بادها بذرزند. بعلاوه خود میدانستند چه می‌گنند و چه نقشه‌ای را بموقع اجر امیگذارند. از طرف دیگر جمیعتهای زنها به رحال می‌هن پرست متول می‌شدند و از دولت طلب یاری می‌کردند. از این اقدامات نتیجه‌ای که انتظارداشتند نگرفتند ولی ابراز شهامت این عده از عقب نشینی توده‌های زنها که گرفتار خانواده‌های محافظه کار بودند تاحدی جلو گیری می‌کرد و به آنها جرئت مقاومت میداد.

اولین سازمان همکاری جماعتیهای زنان

بالاخره این جماعتیها با یکدیگر ائتلاف کردند تا قوای خود را متمرکز ساخته در مقابل حمله مخالفین ایستادگی داشته باشند. (۱۳۲۲) بعد از این تعدادیگری از جماعتیها به آنها پیوستند و اعلامیه‌ای صادر کردند که عبارت بودند از :

شورای زنان ایران، سازمان زنان طرفدار اعلامیه حقوق بشر . انجمن معاونت زنان شهر. جماعت راه نو. انجمن بانوان فرهنگی. کانون بانوان پژوهشگر . قسمتی از اعلامیه بقرار زیراست : « تحولات اجتماعی نیم قرن اخیر تغییرات شگرفی در سازمانهای اجتماعی وارد ساخته وزنان را در مقابل وظایف و مسئولیت‌های سنگینی قرار داده است. مسلم است این وظایف و مسئولیت‌ها اعطای حقوق جدیدی را ایجاد نماید . زن روز شنیکر و مترقی امروز ایران نمیتواند خود را از جامعه جدا نداند و مصرآ خواهان حقوق حقه خود میباشد » البته این گفته‌ها و نوشته‌ها عکس العملهای در پی داشت روزنامه‌های آزادی طلب از جمله روزنامه زن امروز توقيف شد. حکومت نظامی تحت تأثیر تحریکاتی که میشد از زنهای پیشقدم التزامها میگرفت . اما جماعتیهای زنان از میدان در نرفته بکار خود ادامه میدادند. زیرا میدانستند که زمان بعقب بر نمیگردد. نیروهای ترقیخواه هوادار آنها است . این وضع ادامه داشت و بر تعداد زنان و جماعتیهای آنها افزوده میشد. سازمان همکاری زنان جلسات مرتبی تشکیل میداد . تا رفتہ رفتہ افق کشور را روشن شد. ابرها کنار رفت آفتاب اقبال ایرانیان طلوع کرد .

تشکیل شورای عالی جمیعیت‌های زنان ایران

والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی که همواره وقت خود را به رهبری جامعه در مسیر تحقیق بخشیدن به نیات شاهنشاه آریامهر معطوف داشته‌اند و توجه به حصول شایستگی کامل زن ایرانی برای احراز مقام مادری و تساوی حقوق با مرد داردند جمیعیت‌های زنان ایران را مورد تقدیر و پشتیبانی قراردادند و ریاست عالیه جمیعیت‌های زنان ایران را قبول فرمودند این مژده نوید خوشی بود از توجه کامل شاهنشاه به وضعیت زنها و بر افتخار و مسرت همگی افزود پس از چندین جلسه که در کاخ اختصاصی والا حضرت در سعد آباد تشکیل شد سال ۱۳۳۸ پنجاه نفر بعنوان هیئت مؤسس معین و اساسنامه جمیعت نوشته شد. هیجده جمیعت مختلف بنام «شورای عالی جمیعیت‌های زنان ایران» باروش نوین زیر حمایت و هدایت ریاست عالیه والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیروی خود را متمرکز و مشغول فعالیت در تثبیت موقعیت اجتماعی زنان شدند تا اینکه در ۲۹ مرداد ۱۳۴۵ سازمان زنان ایران با گسترش بیشتر از طرف والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی که در طول این مدت رهبری جنبش زنان را بر عهده داشتند اعلام گردید و جانشین شورای عالی جمیعیت‌های زنان گردید.^{۱۰۶}

دولت آقای علم بسال ۱۳۴۱ قانون تشکیل انجمن‌های شهر را تدوین کرد. خوب شخناه بموجب این قانون زنها میتوانستند در انتخابات انجمن شهر شرکت کنند. اما با نفوذ یکه‌هنوز عناصر ارتقای در مخالفت با پیشرفت زنها داشتند دولت ناچار شد اجرای آنرا بعد موکول کند. جمیعیت‌های زنان تحمل این بی‌عدالتی را جایز نشمرده آماده مقابله با

این عمل گردیدند . با انتشار مقالات و اعلامیه‌ها اعتراض خود را نمودار ساختند .

طبق سنت هرسال جمعیت‌های زنان در روزه‌هدم دیماه مجالس جشن و شادی بر پا میدارند و صبح همان روز تاج‌های گل بر مزار اعلیحضرت رضا شاه کبیر نثار می‌کنند . در آن سال مجالس شادی را بر خود حرام شمردند و قطعنامه‌ای باین شرح منتشر کردند .

« به مناسبت محروم ماندن زنان از حقوق حقه مخصوصاً خودداری دولت از انتخابات ایالتی و ولایتی که بزنان حق رأی داده شده جمعیت‌های زنان ایران بعموم زنان و مردان کشور اعلام میدارند که در سال جاری بر سرم اعتراض جشن فرخنده هفدهم دی را برگزار نخواهند کرد » صبح آن روز پس از اجتماع در آرامگاه اعلیحضرت رضا شاه کبیر به عمارت نخست وزیری رفتند و سیله نمایندگان خود با آقای نخست وزیر ملاقات و خواسته‌های خود را تقدیم کردند .
چهارم بهمن ماه همان سال اعتصاب یک روزه از طرف جمعیت‌های زنان اعلام شد . دبیران ، آموزگاران ، زنانی که در ادارات دولتی و ملی خدمت می‌کردند با کمال نظم دست از کار کشیدند . این تظاهرات را بمنظور اینکه نمودار بلوغ اکثریت زنهای کشور و دلیل براین باشد که میتوانند و میخواهند که در امور اجتماعی کشور خود ابراز لیاقت کنند انجام دادند و باعث شد که روز تصویب ملی (ششم بهمن) عده زیادی از زنها تو انسنند با شوروه‌هایشان برای ریختن آراء خود به طرفداری از منشور انقلاب شاه و ملت آمادگی پیدا کنند .

تظاهرات در مقابل مجلس سنا

هنرمندان گان جمیعتهای زنان با شعارهای حاکی از درخواست
شرکت دادن زنها در انتخابات پس از راهپیمایی در خیابانها به مجلس
سنا رفتهند و با رئیس مجلس ملاقات و استدعا کردند عرض آنها را
مبینی برآمدگی برای خدمات ملی و اجتماعی بعرض شاهنشاه برسانند.



ابر از حقشناسی و فداکاری زنها نسبت به شاهنشاه آریامهر

روزی که شاهنشاه آریامهر برای افتتاح سد شهرناز به همدان تشریف فرما میشدند با اطلاع از این تصمیم با مساعی بانو فرنگیس یگانگی که از زنان خدمتگذار اجتماع است چند تن از نمایندگان جمعیتها توانستند وسیله هواییا موقع اجرای تشریفات حضور یابند وقت را مغتنم دانسته در پیشگاه شاهنشاه از تحریکات مغرضین و طرفداران ارتقای که چند روز پیش علیه آزادی زنها در بازار و بین مردم ساده دل آشوبی برپا داشته بودند اظهار تنفس نمایند و آمادگی زنان را برای هر گونه فداکاری در راه انجام نیات عالی شاهنشاه محبوب خود بعرض برسانند. نمایندگان زنها مورد تقدیر قرار گرفتند.



سرا نجام روز مبارک هشتم اسفند ۱۳۴۱ با تصمیم و ابتکار شاهنشاه آریامهر زنها از صفات اشخاص محجور و نا بالغ جدا گشته از حقوق کامل بشری بر خوردار شدند. از همان موقع و ظایف خطیری را بر عهده گرفتند که به آن آگاهی و ایمان کامل داشته و متوجه هستند دامان آنها مکتب پرورش افراد ملتی است که تعالیم و اندرزهای بزرگ آنها، روش و رفتار سیاستمداران و جهانگیرانش پایه گذار معنویت جهانی بوده و هست. دونشان زنان و مادران آنست که مقلد بعضی صحنه‌های ظاهر فریب‌دیگران باشند و به گمراهی بگروند. زنان امروز باستی بکوشند تا میراث معنوی گذشتگان و پدیده‌های دانش امروزی را با عقل و درایت ذاتی در هم آمیخته آیند گـان را در این راه پیمائی بسرمنزل خوشنختی برسانند.

در پایان

سر گذشت زن ایرانی میان دو انقلاب

قسمتی از نطق والاحضرت
شاهدخت اشرف پهلوی را که
در اسفندماه ۱۳۴۴ به مناسبت
سومین سالگرد فرمان آزادی
زنان ایران ادفرمودند نقل میکند:
﴿ آنها که میخواهند
هدفهای فرمان هشتم اسفند
را فقط از راه برگزاری مراسم
سخنرانی یا اعطای عنوانین
تو خالی و یا ایجاد تشکیلات
زاائد تأمین سازند یا به معنای
فرمایشات ملوكانه پیبردهاند
یا دانسته یا ندانسته به هدفهای
انقلابی که در کشور ما
رویداده است خیانت میکنند.
هدفهای این انقلاب هنگامی
برای ما تحقق خواهد یافت که
تشکیلات زنان ما بتوانند
نیروهای خلاقه قاطبه زنان
ایران را در راه اعتراضی
اجتماعی آزاد و مرغه بسیج
کنند و تنها آن تشکیلاتی
میتوانند این رسالت تاریخی
را انجام دهند که از آن تمامی
ملت باشد ... فرمان هشتم
اسفند مارا بر آن میدارد که
در درجه اول بسوی ملت انبوه
برویم و باحتیاج و دردهای
سوزان آنان برسیم ... ۲۰۰

عرض پوزش و تمدنی مساعدة

علاوه بر زنانی که شرح مجاهدت و سرسرخنی پیگیر آنها در راه احرار مقام و آزادی زن داده شد و اندک اندک تو انسنتند افکار عمومی را متوجه خویش ساخته در صفت مخالقین رخنه کنند بزر همین مدت یعنی فاصله بین انقلاب مشروطیت و انقلاب سفیدزنان بسیاری بودند که در علوم و ادبیات و فنون و هنرها زیبا جلوه‌های درخشانی داشتند با فقدان وسائل کافی به مقام عالی استادی، پژوهشکی، نویسنده‌گی و شاعری رسیده شاهکارهای مهمی بوجود آوردند. تأثیفات سودمندی تقدیم جامعه نمودند، خدمات مهم آموزشی انجام دادند در کارهای خیر بخششها و خدمات گرانبهای کردند وظایف و مسئولیت‌های سنگین امور مملکتی را بر عهده گرفته‌اند که تمام آنها مشعلداران و پیشتازان زنان ایران و باعث سربلندی و افتخار ما می‌باشند. جلد دوم این کتاب به شرح آنها اختصاص دارد. ولی همانطور که در آغاز سخن آمد منظور این نوشته بمناسبت سال اعلامیه حقوق بشر یادآوری زنانی است که انگلیزه بدست آوردن حقوق انسانی آنها را وارد میدان مبارزه کرده است. در جهت مخالف جریان اوضاع زمان خود راه پیموده با دلیری و تهور پیکار و فداکاری کرده‌اند.

هر گاه در این ردیف‌هم زنانی باشند که شناسائی آنها برای نویسنده مقدور نشده است با تقدیم پوزش امیدوار است با مساعدة و یادآوری با نوان و آقایان مطلع و مراجعته بخود نگارنده کتاب در چاپ بعد جبران شود و این رساله که بخشی از تاریخ است تکمیل گردد.

فهرست و متأثر هندرجان کتاب

صفحه

| | |
|--|----|
| از کتاب انقلاب سفید در باره گذشته زن ایرانی | ۳۵ |
| از تاریخ مشروطیت و اختناق ایران | ۳۸ |
| طبی آزموده نخستین مؤسسه مدرسه دخترانه | ۴۱ |
| مدرسه فرانکوپرسان و دارالعلمات | ۴۵ |
| محترم اسکندری | ۴۶ |
| مستوره افشار | ۴۹ |
| صدیقه دولت آبادی | ۵۰ |
| هیئت مدیره جمعیت نسوان وطنه خواه | ۵۳ |
| پروین اعتصامی | ۵۴ |
| اولین نمایشی که برای زنها و بوسیله زنها داده شد | ۵۶ |
| فخر آفاق پارسای نخستین کنگره بین‌المللی زنها | ۵۸ |
| در ایران | ۶۰ |
| اولین جشن رسمی مدارس دخترانه | ۶۲ |

صفحه

| | |
|--|----|
| تساوی حقوق بشر اندیشه دیرین آدمی است | ۵ |
| تحول عظیم سر نوشت زن ایرانی | ۱۱ |
| آخرین نشگ اجتماعی ما بر طرف شد | ۱۵ |
| سمتی از نطق تاریخی شاهنشاه آریامهر | ۱۶ |
| کنفرانس بین‌المللی و کنگره جهانی زنان | ۱۷ |
| زنان به مجلسین راه یافتهند | ۱۸ |
| قانون حمایت خانواده | ۲۰ |
| سپاه داشت دختران | ۲۴ |
| پیروزی عظیم زن ایرانی نخستین کنفرانس بین‌المللی | ۲۷ |
| حقوق بشر در ایران | ۳۰ |

بخش دوم

| | |
|--------------------------------|-----|
| زن ایرانی در دوران گذشته | ۱۱۱ |
| تأثیر انقلاب مشروطیت در بیداری | ۱۱۳ |
| زنان | ۱۱۴ |

صفحه

| | |
|---|-----|
| اولین سازمان همکاری جمعیتهای زنان | ۱۰۵ |
| تشکیل شورای عالی جمعیتهای زنان ایران | ۱۰۶ |
| تظاهرات مقابله مجلس سنا | ۱۰۸ |
| اعتراض یک روزه زنها | ۱۰۷ |
| ابراز حق‌شناختی و فداکاری زنها | |
| نسبت به شاهنشاه آریامهر | ۱۰۹ |
| پیان برگذشت زن ایرانی میان دو انقلاب و قسمتی از نطق والاحضرت اشرف پهلوی | |

منابع

| | |
|--|--|
| کتاب انقلاب سفید | |
| « اختناق ایران مورگان - شوستر | |
| « تاریخ مشروطیت سید احمد کسری | |
| « سخنرانیهای کانون بانوان | |
| عکسها و گزارشها از کسانی که خود در نهضت زنها شرکت داشتند. بانوان نصرت مشیری . توران آموزگار. نورالهدی منگنه. زهرا اسکندری. وقایعی که نگارنده کتاب شاهدآ: بوده و مجلات و کتابهای مختلف بزبان فارسی و خارجی دارای ۴۲ گر اور میباشد . | |

صفحه

| | |
|--|----|
| زنها ابراز احساسات میکردند | ۶۳ |
| زنها با مسائلی رو برو بودند که برای جوانان امروز قابل درک نیست | ۶۴ |
| دختران مدرسه از خود دفاع میکردند | ۶۵ |
| بیرونی اندرونی | ۶۸ |
| پیراهن مراد - زناشوئی و حجاب | ۷۰ |
| یکی از صمنهای جالب اجتماعات زنها | ۷۳ |
| زنها را بنام نمیخوانندند | ۷۴ |
| دکتر فاطمه سیاح | ۷۵ |
| صفیه فیروز | ۷۷ |
| دکتر مهران گیز دولتشاهی | ۸۰ |
| شمس الملوك جواهر کلام | ۸۱ |
| عصمت الملوك دولنداد | ۸۳ |
| دکتر قدسیه حجازی | ۸۴ |
| پدر الملوك بامداد | ۸۵ |

بخش همچو:

| | |
|---|----|
| سلطنت اعلیحضرت رضاشاه | |
| کمیز روحی تازه در گالبد | |
| ایرانیان مخصوصاً زنها دارد | |
| کانون بانوان | ۸۹ |
| فرمان بزرگ | ۹۴ |
| خشتش اول آموزش عالی دختران | ۹۸ |
| دوران رکود پیشرفت‌های زن ایرانی و ترقی سریع و درخشانی که در پی داشت | |



انتشارات ابن سینا

چاپ اول این کتاب تحت شماره ۳۰۴۶۷ - کتابخانه ملی به ثبت رسیده است